

## حقوق بشردوستانه در قرآن و صدر اسلام با تکیه بر مفهوم جهاد

معصومه سلگی، غلامرضا زکی‌زاده

وجود حکم جهاد در اسلام سبب گردیده دین اسلام به ستیزه‌جویی و جنگ‌طلبی شهرت یابد. این در صورتی است که اسلام نه تنها اصل و اساس جنگ و خشونت را مجاز نمی‌داند، بلکه جهاد را با رعایت شرایطی خاص راهی در جهت احقاق حقوق از دست رفته انسان‌ها و مقابله با جور و ستم ایشان دانسته و با در نظر گرفتن قواعد و اصولی مشخص و صریح تلاش می‌کند تا آثار مخرب جنگ و مخاصمه را کنترل و محدود نماید.

تلاشی که حقوق‌دانان در راستای تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل بشردوستانه نموده‌اند، همگی از جمله اصولی هستند که مورد توجه اسلام نیز بوده و توسط فرمانروایان اسلامی نیز رعایت شده و به صورت امری اجباری مورد توصیه قرار داشته‌اند. ریشه حقوق بین‌الملل بشردوستانه امروزی را همچنین می‌توان در تعالیم و دستورات صدر اسلام نیز مورد توجه و بررسی قرار داد.

مقاله حاضر تلاشی است در جهت ریشه‌یابی یکی از پایه‌های قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه معاصر در قواعد لازم‌الاجرای صدر اسلام.

کلید واژگان: حقوق بشردوستانه، حقوق بر جنگ، مخاصمات مسلحانه، جهاد،

اسلام.

---

## حقوق بشر دوستانه در قرآن و صدر اسلام با تکیه بر مفهوم جهاد

---

معصومه سلگی زاده\*

غلامرضا زکی زاده\*\*

### مقدمه

مفهوم حقوق بشر دوستانه موضوعی است جهانی که در پی شکل‌گیری مفهوم حقوق بشر پا به عرصه مطالعات حقوقی عصر حاضر نهاده است. مفهوم حقوق بشر نتوانست در تمام شرایط عینی و ویژه جامعه بشری مدافع اساسی‌ترین حقوق و نیازهای انسانی باشد؛ مفهوم حقوق بشر از نظریه حقوق طبیعی نشأت می‌گیرد و از دیرباز ریشه در وابستگی فرهنگ‌های سراسر جهان با یکدیگر دارد اما فقط در زمان صلح کاربرد داشته از این رو وجود حقوق بشر دوستانه نیز

---

\* معصومه سلگی زاده کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد دامغان است  
(masomeh.solgi@gmail.com).

\*\* غلامرضا زکی زاده کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل از دانشگاه آزاد دامغان است  
(reza.zakizadeh@gmail.com).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۱۰  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۲۰  
فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال دهم، شماره ۴، بهار ۱۳۹۳، صص ۱۶۷-۲۰۳.

برای زمان غیر صلح ضروری قلمداد می‌شده است. از این رو، حقوق بشردوستانه نیز همپای مفهوم حقوق بشر بُعدی جهانی می‌یابد. به نظر می‌رسد تدوین و توسعه حقوق بشردوستانه پیوستگی مستقیمی به انقلاب کبیر فرانسه دارد و محصول تمدن غربی است، اما باید توجه داشت که می‌توان خیلی از قواعد حقوق بشردوستانه را در زمان‌هایی قبل‌تر از انقلاب کبیر فرانسه و در زمان پیدایش و توسعه اسلام یافت ولی با تمام تلاش‌های کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در جهت ریشه‌یابی اسناد حقوق بشردوستانه، جستجویی دیگر پیرامون یافتن مصادیق عینی حقوق بشردوستانه در میان قواعد و مقررات اسلامی خالی از لطف نخواهد بود.

هر یک از معاهدات یا اعلامیه‌ها یا میثاق‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه که به وجود آمده‌اند، از حقوقی سخن گفته‌اند که حدود چهارده قرن پیش محوریت سخن اسلام نیز بوده‌اند، ولی در هیچ یک از این متون و اسناد حقوقی از وجود این حقوق در اصول و مقررات اسلام سخنی گفته نشده است.

پیدایش حقوق بشردوستانه در مفهوم نوین و به صورت مدون را می‌توان حاصل بروز جنگ‌های خونین و نابرابر قبل و بعد از جنگ‌های جهانی اول و دوم که به خاطر قدرت‌طلبی حکام خودکامه برخی دولت‌های بزرگ رخ داده‌اند دانست، اما به واقع این حقوق نیز همچون مصادیق عینی حقوق بشر، در راستای صلح‌طلبی و انسان‌دوستی اسلام و پیرو حقوق انسان‌مدارانه اسلام، هم در قرآن مورد توجه بوده و هم توسط حکام اسلامی به کار گرفته می‌شده‌اند؛ از این رو، این مصادیق و قواعد وجود عینی داشته و مورد احترام اسلام و حکومت‌های اسلامی بوده و می‌باشند.

با تمام تلاش‌هایی که برای تنظیم قواعد و مقررات حقوق بشری صورت گرفت و منجر به تنظیم و تدوین معاهدات و مقرراتی جهانی و منطقه‌ای برای حمایت و حفاظت از حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر شد، اما باز هم شاهد نقض حقوق و آزادی‌های بشر در مفهومی متفاوت بودیم؛ مفهومی به نام جنگ و مخاصمات مسلحانه. جنگ پدیده‌ای اجتماعی است که از دیرباز در روابط ملت‌ها وجود داشته و به همین منظور، متون بسیاری برای تنظیم روابط حقوقی در زمان مخاصمه تهیه شده است. اهمیت این موضوع، توجه حقوقدانان را به منظور یافتن شیوه‌های پیشگیری از آن به خود جلب کرده است. به رغم تلاش‌های انجام شده در سطح بین‌المللی به منظور کاهش و ممنوعیت توسل به زور، همچنان شاهد مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی در گستره جهان هستیم. به طوری که امروزه این

مخاصمات بعد از موضوع تروریسم، یکی از بزرگترین بحران‌های جامعه بین‌المللی است. در دوران باستان، جنگ نشانگر قدرت و قابلیت‌های یک کشور بود و تمام روابط میان ملت‌ها در جنگ و روابط خصمانه خلاصه می‌شد؛ به گونه‌ای که شاید به اشتباه، بروز جنگ‌های خونین و وحشیانه‌ای که طرفین در جنگ برای پیروز شدن در آن جنگ اقدام به هر عملی را مجاز می‌دانستند، یکی از قوانین طبیعی به شمار می‌آمد. این اقدامات خصمانه تا آنجا پیش رفت که توانست عناوین متعددی را برای مشروعیت یافتن به خود گیرد، از جمله در قرون وسطی عناوینی همچون جنگ مشروع یا عادلانه سبب مشروعیت بخشیدن به جنگ‌ها بوده و یا در عصر جدید جنگ یک حق پادشاهی و تجلی حاکمیت دولت بود و پیش از حیات جامعه ملل، جنگ نشانگر صلاحیت اراده دولت‌ها بود تا این که در دوران جامعه ملل، عدم توسل به زور و تحریم جنگ مطرح شد و در دوران سازمان ملل متحد، اصل عدم توسل به زور در منشور ملل متحد متجلی شد.

در پی پیشرفت مدنیت در عرصه بین‌المللی، متفکران برای کاهش آلام بشری و نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی و انسان‌دوستانه دست به کار شده و حقوق بشردوستانه بین‌المللی را که خاستگاهی اخلاقی و انسان‌دوستانه دارد، پایه‌ریزی کرده‌اند و با قرار دادن ضمانت اجرای حقوقی برای حقوق بشردوستانه و انعقاد معاهدات بین‌المللی و تشکیل دادگاه‌های کیفری، نیرویی مضاعف را برای توسعه حقوق بشردوستانه به همراه آوردند.

حقوق بشردوستانه مجموعه قواعد و مقرراتی است که هدف آن یکی حمایت از افرادی است که در زمان جنگ در مخاصمه شرکت نکرده‌اند یا آن را ترک کرده‌اند و دیگری محدود کردن روش‌ها و وسایلی است که در جنگ به کار گرفته می‌شوند. حقوق بشردوستانه در تمام مخاصمات، چه داخلی و چه بین‌المللی، لازم‌الاجرا است و مجموع حقوق و تعهداتی است که برای تمام طرفین در مخاصمه در نظر گرفته می‌شود. حقوق بشردوستانه با مفاهیم دیگری همچون حقوق در جنگ و حقوق مخاصمات مسلحانه، و با عبارت *Jus in Bello* مرادف است، ولی باید توجه داشت که یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل معاصر، تحریم جنگ و اصل منع توسل به زور است. جنگ و توسل به زور که در دوران گذشته و به لحاظ حقوق بین‌الملل کلاسیک، اصل حاکم بر روابط میان کشورها بوده، امروزه عامل مخرب روابط بین‌الملل شناخته می‌شود. البته، حقوق بین‌الملل علی‌رغم پذیرش اصل ممنوعیت توسل به زور و تحریم جنگ، در بعضی موارد همچون جنگ مشروع یا عادلانه، دفع تجاوز و دفاع مشروع و

عملیات نظامی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، بروز جنگ را مجاز می‌داند. از این رو، مفهوم حق توسل به جنگ که آیا اساساً توسل به زور در حقوق بین‌الملل مشروع یا ممنوع است، بحثی است که از نظر محتوایی مقدم بر مفهوم حقوق بشر دوستانه می‌باشد. حق توسل به زور نیز با مفاهیمی همچون حقوق بر جنگ، مشروعیت یا عدم مشروعیت توسل به زور و Jus ad Bellum مرادف است. بیان جنگ در هر قالب مفهومی، فرقی در ذات خصمانه بودن جنگ ندارد و اثرات زیانبار بشری جنگ را خاتمه نمی‌بخشد، اما لازم است جنگ را در قالبی حقوقی مورد توصیف و بررسی قرار داد تا شاید این گونه آثار مخرب جنگ که مسبب آلام بشری است به حداقل برسد. حقوق بر جنگ (حق توسل به زور) در دوران معاصر با بیان اصل ممنوعیت توسل به زور در منشور ملل متحد و با استثنای فصل ۷ منشور، دخالت شورای امنیت، جنگ را محدود کرده و تحت کنترل قرار داده است.

بررسی و تحدید حدود هریک از مفاهیم بالا بحثی است مبسوط و خارج از حوصله مقاله پیش رو، و با این پیش فرض که تمام خوانندگان مقاله حاضر بر مفهوم حقوق بشردوستانه اجمالی کافی دارند، از این رو، از ارائه گفتار یا مبحثی جداگانه پیرامون مطالب مختلف حقوق بشردوستانه حذر خواهد شد.

از سوی دیگر، مطمئناً هر مخاصمه‌ای دارای ابعاد وسیعی است که نه تنها نیروهای مسلح دولت‌های درگیر در جنگ، بلکه افراد عادی و غیرنظامیان و اموال ایشان، اموال دولتی و معاهدات و قراردادهای دوجانبه و چندجانبه‌ای را که طرفین درگیر در جنگ یکی از طرفین آنها هستند را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد؛ از این رو، لزوم وجود مقررات و قوانینی احساس می‌شود که روابطی از این دست را نیز ساماندهی و کنترل نماید.

همچنین، علاوه بر طرفین متخاصم، کشورهای دیگر که در آن مخاصمه هیچ حضور فیزیکی یا معنوی ندارند نیز از هر جنگی که در اطراف قلمروشان رخ دهد بی‌تأثیر نخواهند بود و مطمئناً این دولت‌ها برای در امان بودن از آثار جنگ یکسری وظایفی دارند که باید آن وظایف را در مقابل حقوق ایشان در امر بی‌طرفی که می‌باید از سوی متخاصمان مورد احترام قرار گیرد، به اجرا گذارند.

همان‌گونه که در بالا مورد اشاره قرار گرفت، می‌توان در ریشه‌یابی پیدایش مفاهیم، مصادیق و قواعد و مقررات عینی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی از دستورات و اصول مورد توجه اسلام نیز استفاده کرد تا نه تنها سهم اسلام را در پیدایش و عرفی‌سازی

قواعد و مقررات این حقوق مشخص ساخت، بلکه سعی شود مفهوم جهاد را در قالب واقعی خود معرفی کرد زیرا این احتمال وجود دارد که به دلیل وجود حکمی همچون حکم جهاد و وجود جنگ‌های متعدد در صدر اسلام، اسلام دینی ستیزه‌گر و جنگ‌طلب به نظر آید.

از این رو، در این مقاله به بررسی مصادیق عینی و عملی حقوق بشردوستانه در قرآن و صدر اسلام پرداخته خواهد شد تا هم خط قرمزی بر این احتمال که اسلام دین جنگ و مناصمه است کشیده شود و هم بتوان در کنار تمام تلاش‌های متفکران و محققان برای تنظیم و شکل‌دهی این قواعد و پیش‌بینی و مقرر نمودن ضمانت‌های اجرایی قوی برای رعایت و اجرای این حقوق، گفت که اسلام نیز تمام این اصول را از بیش از ۱۴۰۰ سال پیش در دستور کار خود داشته و دارد؛ چراکه با ریشه‌یابی دقیق می‌توان این حقوق را در مبانی اصیل اسلامی شناسایی کرد و با بازیابی حقوق مزبور در اسلام و با ضمانت‌های اجرایی اسلامی، می‌توان انتظار داشت این حقوق در تمام زمان‌ها و در تمام شرایط اجرا و محترم شمرده شوند.

ادعای قابلیت اجرایی شدن حقوق بشر و حقوق بشردوستانه اسلامی در تمام زمان‌ها و مکان‌ها و تحت تمام شرایط از اینروست که اسلام دینی است همه‌جانبه و مخصوص همه زمان‌ها و مکان‌ها و تمام ابعاد زندگی بشر را مورد توجه قرار داده و حاوی قواعد و مقرراتی برای تمامی انسان‌ها و نه فقط مختص به گروهی خاص و برای تمام زمان‌ها و نه فقط برای زمان صلح و برای تمام ابعاد زندگی انسان و نه فقط برای بعد روحی و معنوی انسان می‌باشد و ضمانت‌های اجرایی این قواعد و مقررات برخاسته از تدبیر و دوراندیشی این آیین برای انتخاب رهبر و حاکم اسلامی است؛ زیرا که بر طبق این آیین، رهبر و حاکم جامعه اسلامی باید دارای بالاترین و عالی‌ترین صفات اخلاقی و تزکیه نفس باشد و مصالح جامعه و مردم را بر جاه‌طلبی‌های نفسانی و قدرت‌طلبی‌های سیاسی ارجحیت دهد و همّت خود را در جهت رفع حوائج مردم صرف نماید.

اینگونه است که حکام اسلامی وظیفه دارند تا انسان‌های مورد ظلم و ستم را یاری رسانده و در جهت احقاق حقوق ایشان اقدامات لازم را انجام دهند و مظلوم را به حق خود و ظالم را به مجازات عمل خود برسانند. در چنین جامعه‌ای است که انتظار می‌رود تمام انسان‌ها پیاموند از چه حقوقی برخوردارند زیرا که اسلام این حقوق را در کتاب آسمانی خود، قرآن، مورد توجه قرار داده و همگان را به فراگیری و احترام به این حقوق دعوت کرده و انسان‌ها را نیز ملزم می‌کند به حقوق یکدیگر احترام بگذارند.

در این مقاله تلاش خواهد شد به این سوالات پاسخ داده شود که آیا می‌توان مصادیقی عینی از مقررات و قواعد حقوق بشردوستانه را در قرآن و صدر اسلام یافت؟ و دیگر اینکه مفهوم جهاد چه بار حقوقی را در بین اصول مورد پذیرش قرآن و اسلام دارد؟

با نگاهی گذرا به مبانی حقوقی دین اسلام و با توجه به الهی بودن این دین انسان‌مدار، چنین به نظر می‌رسد که؛ نخست، مبانی حقوق بشردوستانه همگی ریشه در اخلاقیات ناب اسلامی نیز دارند و در چهارچوب سیره عملی حکام اسلامی قابل بررسی و توصیف هستند؛ دوم این که قالب‌های رفتاری حقوق بشردوستانه در برخوردی عادلانه با تمام انسان‌ها و بدون هیچ تبعیضی در دوران جنگ قابل تصور است. سوم این که با توجه به توجهات دستوری اسلام به رعایت و دفاع از حقوق و کرامات انسانی و توصیه انسان‌ها به صلح و دوستی و مساوات و برابری و برادری، بعید می‌نماید که این دین توسعه و ترویج خود را به جنگ و خونریزی و برتری قومی بر قوم دیگری آنهم به واسطه قتل و قهر منوط سازد. از این رو، می‌توان در کنار سایر اسناد حقوقی که در تلاش برای احقاق حق مظلوم از ظالم هستند و به مبانی و قواعد و ضمانت اجراهای حقوق بشردوستانه پرداخته‌اند، وجود حکم جهاد در اسلام را نیز ضمانت اجرایی در این راستا دانست تا از نهادینه شدن ظلم و ستم اقوام و حکومت‌ها و قدرت‌های خودکامه بر مردم بی‌دفاع جلوگیری شود.

مقاله پیش رو به روش کتابخانه‌ای و به کمک ارائه مصادیق عینی و دقیق از پیشینه، قواعد و اصول عینی حقوق بشردوستانه در آیات قرآنی و با بررسی تطبیقی این اصول در قرآن و ساختار رسالت محمد (ص) و نظام حکومت‌داری علی (ع)، آماده شده است.

با توجه به مطالب و مصادیق عینی ارائه شده در مقاله حاضر به این نتیجه می‌توان رسید که می‌توان ریشه تمام مصادیق حقوق بشردوستانه‌ای که در اسناد بین‌المللی لحاظ شده‌اند را نیز در قرآن و اسلام یافت. از این رو، با توجه به جنگ‌ستیز نبودن، بلکه صلح طلب بودن اسلام، باید تلاش نمود تا اصول اخلاقی، انسانی و والای اسلام را که همگی دارای ابعاد حقوقی هستند در سراسر دنیا ترویج نمود و این امر امکان پذیر نخواهد بود مگر آنکه این اصول به صورت اساسی و اصولی و به واقع توسط زمامداران دولت‌های اسلامی کنونی رعایت و اجرا شوند تا الگویی عملی برای سایر حکومت‌ها باشند.<sup>۱</sup>

## ۱. حقوق بشردوستانه در قرآن و حکومت حضرت محمد (ص)

برای مشخص شدن مفهوم حقوق جنگ در اسلام، اول باید مفهوم حقوقی جهاد در اسلام بررسی شود و میان این مفهوم با مفهوم جنگ در دنیای معاصر اقدام به قیاس نمود تا بدین‌گونه بتوان تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو مفهوم را به وضوح دید.

ریشه واژه جهاد از دو واژه «جهد» به معنی مشقت و «جهد» به معنی طاقت آمده است. ولی چه واژه جهاد را از کلمه جهد و چه از کلمه جهد بگیریم، مفهوم اصطلاحی جهاد، کوشیدن و بذل و کوشش آدمی در راهی و انجام دادن هرکاری تا آنجا که توانایی آدمی اجازه دهد، می‌باشد. جهاد در فرهنگ اسلامی یا جهاد اکبر و به معنی مبارزه با نفس است و یا جهاد اصغر به معنای جنگیدن در راه خدا و با دشمن خدا است. جهاد اصغر که موضوع بحث این نوشتار است، خود به دو دسته تقسیم می‌شود: نخست، جهاد با کفار و دوم جهاد با منحرفان و یاغیان علیه امام عادل.<sup>۲</sup>

چنانچه می‌دانیم، حقوق بین‌الملل با دو مفهوم حقوق بر جنگ (حق توسل به زور) و حقوق بشردوستانه مواجه است. در حقوق بر جنگ، مشروعیت یا عدم مشروعیت جنگ بررسی می‌شود و در حقوق بشردوستانه به قواعد و اصولی پرداخته می‌شود که در هنگام بروز مخاصمه لازم‌الاجرا هستند. شبیه این تقسیم‌بندی را نیز می‌توان در اسلام یافت، دستورات اسلام نیز بین جنگ‌ها قایل به تفکیک هستند؛ از یک سو، اسلام جنگ‌های بر پایه جهاد را مشروع دانسته و یکسری اصول را در این چهارچوب بیان می‌دارد که مخصوص جهاد هستند و اعمال آنها در خصوص سایر جنگ‌ها موضوعیت ندارد؛ این اصول بیان‌کننده قواعد مربوط به وجوب جهاد، لزوم جهاد در التزام امام معصوم (ع) و... است. از سوی دیگر، اصولی نیز مورد شناسایی اسلام بوده و هستند مثل قواعد و مقررات حقوق بشردوستانه که در تمام جنگ‌ها، چه جهاد و چه سایر جنگ‌ها لازم‌الاجرا هستند؛ این اصول بیان‌کننده قواعد مربوط به شیوه برخورد با اسیران، قربانیان جنگ، زخمی‌ها، نحوه اداره عملیات جنگی و... است.

از این رو، می‌توان حقوق بشردوستانه را از نظر اسلام اینگونه تعریف نمود: «حقوق بشردوستانه در اسلام عبارت است از مجموعه مقرراتی که دولت اسلامی و تمامی مسلمانان باید هنگام مقابله با دشمن در تمام جوانب و بدون توجه به مشروعیت جنگ از نظر اسلام (جهادی بودن جنگ)، رعایت نمایند».

ممکن است هنگام مواجه با مفهوم جهاد در اسلام، این دیدگاه به نظر آید که اسلام دین

ستیز و مبارزه است و نه تنها جنگ را ممنوع نکرده، بلکه بسیاری از مبانی انتشار اسلام را در دنیا متکی و وابسته به جنگ می‌داند. در پاسخ به این اندیشه‌ها باید نشانه‌هایی ملموس و عینی را بیان داشت که به خوبی این احتمالات را نقض می‌کند.

### ۱-۱. دیدگاه قرآن و سنت نسبت به مفهوم جهاد و علل جنگ (حقوق جنگ)

نخستین آیات قرآن که به موضوع جهاد پرداخته‌اند، آیات ۳۸ و ۳۹ سوره حج می‌باشند. سوره حج از سوره‌های مدنی قرآن کریم است که این آیاتش در سال دوم هجرت بر رسول خدا (ص) نازل شده است، یعنی پانزده سال بعد از ورود اسلام به جزیره العرب. در این آیه می‌فرماید: «رخصت (جنگ) به جنگجویان (اسلام) داده شد زیرا آنها از دشمن سخت ستم کشیدند و خدا بر یاری آنها قادر است. آن مؤمنانی که به ناحق از خانه‌هاشان آواره شده (و) جزآنکه می‌گفتند پروردگار ما خدای یکتاست؛ و...»<sup>۳</sup>.

در آیات متعدد دیگری نیز خدا به جهاد و دلایل مشروعیت جهاد اشاراتی دارد؛ از جمله: «آیا با قومی که عهد خود را شکستند و اهتمام کردند که رسول خدا را از شهر خود بیرون کنند قتال نمی‌کنید؟ در صورتی که آنها اول بار به دشمنی شما برخاستند... شما ای اهل ایمان با کافران به قتال برخیزید...»<sup>۴</sup> و یا می‌فرماید: «... همه‌تان با تمامی مشرکان کارزار کنید چنان چه مشرکان هم همگی با شما کارزار می‌کنند.»<sup>۵</sup>

در این آیات، خداوند جهاد را حق آنانی می‌داند که مورد ستم و ظلم قرار گرفته‌اند و از حقوق خود محروم شده‌اند و دفاع از این حقوق را برای آنان وظیفه می‌داند تا اینگونه ستم و ظلم را دفع نمایند. این در صورتی است که اسلام سالیان قبل بر پیامبر خاتم (ص) فرود آمده بود اما در سال‌های ابتدایی هیچ دستوری بر جنگ و جهاد نداده است و جایی این مفهوم را مشروع اعلام می‌کند که حقوق انسان‌ها به خطر افتاده است. به راستی می‌توان این مفهوم را در مقابل مفهوم دفاع مشروعی قرار داد که در اسناد بین‌المللی یکی از دستاویزهای بروز جنگ‌های خونین و کشتارهای بی‌شماری بوده است که دولت‌ها انجام داده‌اند!

اسلام با این که جنگ را در قالب مفهومی جهاد، مشروع می‌داند، اما چنان چه از مفهوم آیات بالا برمی‌آید، برای جهاد قائل به وجوب وجود شرایطی همچون نقض حقوق انسانی و بروز ظلم و ستم بر علیه انسان‌ها است و مطمئناً هیچگاه جنگ را برای گسترش و ترویج اسلام مورد توصیه قرار نداده است، تا جاییکه می‌فرماید: «حکم جهاد برای شما مقرر گردید و حال آنکه برای شما ناگوار و مکروه است، لیکن چه بسیار شود که چیزی را شما ناگوار بدانید، ولی

به حقیقت خیر در آن بوده و...»<sup>۶</sup>.

همانطور که از این آیه برمی آید، قرآن نیز به ناگواری جنگ و جهاد صحنه گذاشته و آن را مکروه اعلام می دارد. اما انسان ها را گاهی مجبور به اقدام به جهاد می شناسد زیرا که جهاد را راه عزت و سربلندی و خیر برای انسان ها می داند. از این رو، غیرمنطقی می نماید اگر گفته شود اسلام جنگ را عامل گستره دانسته و از سوی دیگر به صراحت در قرآن آن را مکروه و ناگوار قلمداد کند؛ این در صورتی است که خداوند در جای جای قرآن راه های حکیمانه و صلح جویانه را برای دعوت و موعظه انسان ها سفارش می کند و در ادامه همین سفارش، با این که انتقام و دفاع متقابل را حق انسان ها می داند، اما سخن از صبر و تحمل انسان ها می کند و این صبر را دارای ارزشی بس گران بها در نزد خویش می داند و با بیان صبوری انسان ها قبل از اقدام به دفاع متقابل، بروز جنگ و جهاد را آخرین راه انسان ها برمی شمارد، جایکه دیگر هیچ راهی برای بازستاندن حق انسان ها وجود نداشته باشد.<sup>۷</sup>

در مقابل، ممکن است این موضوع مطرح شود که خداوند در آیات متعددی جهاد را دارای فضیلت های بی شمار دانسته و انسان ها را برای اقدام به جهاد تشویق می کند. مثلاً می فرماید: «مؤمنان باید در راه خدا با آنان که حیات دنیا را انتخاب کرده اند جهاد کنند و هرکس در جهاد در راه خدا کشته شد و یا فاتح گردید زود باشد که او را اجر عظیم دهیم»<sup>۸</sup>. و یا می فرماید: «پس (ای پیامبر) تو خود تنها در راه خدا به کارزار برخیز... و مؤمنان را نیز ترغیب کن... و خدا آسیب کافران را از شما باز دارد...»<sup>۹</sup>. و نیز می فرماید: «هرگز مؤمنانی که بی هیچ عذری مانند نابینایی، مرض، فقر و غیره از کار جهاد باز نشینند با آنان که با مال و جان کوشش نمایند یکسان نخواهند بود، خداوند مجاهدان فداکار به جان و مال را بر بازنشستگان بلندی و برتری بخشیده... و ایشان را اجر بزرگ وعده داده است»<sup>۱۰</sup>.

در تمام این آیات و آیات مشابه، اگر خداوند در قرآن امر به جهاد کرده است و جهاد را دارای فضیلت و مجاهدین را دارای اجر و پاداش می داند، پیش شرطی بر ایشان لحاظ کرده که ایشان به جهاد با کفار و ستمگرانی رفته اند که بر مردم ظلم و ستم روا داشته و به کفر گرویده اند. درست است که اسلام و قرآن انسان ها را در داشتن دین و آیین خود آزاد گذاشته و تجسس در این مورد را ناروا می داند، اما این بدان معنا نیست که کفار نیز در مسلک و آیین خود مستقل و مختار هستند، زیرا که معنای اساسی کفر، «ناسپاسی کردن» و «ناسپاس بودن» در مقابل خیر و احسانی است که به شخصی از طرف شخص دیگر رسیده باشد. این معنا در میان

همه افرادی که به زبان عربی تکلم می‌کنند، مشترک است، به طوری که در همه زمان‌ها هم این معنا حفظ شده است و در یک بافت معنایی غیر دینی، مفهوم ناسپاسی را برای کفر بخوبی روشن می‌سازد.<sup>۱۱</sup>

قرآن به انسان می‌آموزد که از وابستگی و نیازمندی بنیادی خویش به خدا غافل نباشد. این غافل نبودن، همان آغاز ایمان و اعتقاد واقعی انسان به خداست. از همین جا معلوم می‌شود که چگونه «کفر» به تدریج از معنای اساسی خود منحرف شده و به معنای بی‌اعتقادی و نفی تصور ایمان نزدیک شده است. در آن آیات قرآنی که نزدیک اواخر زندگی حضرت محمد (ص) به او وحی شده دیگر «کفر» معنای ضد «شکر»، یعنی سپاسگزار بودن ندارد، بلکه کلمه‌ای ضد «آمن» است و اسم فاعل آن، یعنی کافر و به سادگی معنای «غیر مؤمن» پیدا کرد.<sup>۱۲</sup> لزوم بیان این مطالب از آن رو است که ذکر شود هیچگاه غیرمسلمان بودن یک شخص به معنای کافر بودن آن شخص نیست، زیرا که طبق آموزه‌های دین اسلام، اسلام آخرین دین نازل شده، آمده است تا ادیان پیش از خود را کامل و حجت را بر انسان‌ها تمام کند، و هیچ‌جا و در هیچ کتاب و منبعی ذکر نکرده است که سایر ادیان غیر الهی بوده‌اند. بلکه تمام ادیان را در یک مسیر و برای هدایت انسان‌ها معرفی می‌کند که خداوند بر پیامبران متفاوت نازل نموده تا هر یک در قوم و قبیله خود، مردم را به راه سعادت دنیا و آخرت رهنمون باشند. از سوی دیگر، در تمام ادیان الهی، امر به سپاسگذاری از خدا و اطاعت دستورات دینی شده است و خدا انسان‌ها را امر نمی‌کند به چیزی مگر به احترام و رعایت حقوق یکدیگر. از این رو، مفهوم کافر می‌تواند در تمام ادیان نمود یابد و هیچگاه به معنای غیرمسلمان نیست.<sup>۱۳</sup> از این روست که جهاد با کفار دارای فضیلت است و خداوند انسان‌ها را به این جهاد ترغیب و تشویق می‌کند.

همچنین، قرآن در کنار سفارش به تجاوز، نسبت به عدم تجاوز بی‌مورد به دیگر سرزمین‌ها و ملل و دیگر انسان‌ها سفارشات بی‌شماری دارد که از آن جمله می‌توان آیات زیر را برشمرد: «... ای اهل ایمان تعرض به زوار بیت الله الحرام را مجاز نشمارید... و عداوت گروهی که از مسجد حرام منعان کردند شما را بر ظلم و بی‌عدالتی وادار نکنند...».<sup>۱۴</sup> و یا می‌فرماید: «... و البته شما را نباید عداوت گروهی بر آن بدارد که از طریق عدل بیرون روید...».<sup>۱۵</sup>

همانطور که گفته شد، در پانزده سال اول نزول اسلام، هیچ فرمان جهاد و منازعه‌ای از

سوی خدا و به وسیله فرشته وحی بر پیامبر خاتم (ص) ارسال نشده بود و این زمانی بود که مشرکان مکه بیشترین ظلم و ستم‌ها را بر پیامبر و یاران او اعمال می‌کردند و اموال مسلمانان را در مکه مصادره کرده بودند، اما در تمام این مدت هیچ مقابله ستیزجویانه‌ای از سوی رسول خدا صورت نگرفت. رسول خدا حتی آن هنگام هم که حکم جهاد بر ایشان وحی شد و مجبور به جهاد می‌شدند، قبل از شروع جنگ ابتدا به دعوت سپاه دشمن اقدام می‌نمودند. به طوری که این توصیه را به امیرالمومنین می‌کنند که: «یا علی با احدی جنگ نکن مگر این که او را دعوت نمایی»<sup>۱۶</sup> و اینگونه حجت را بر دشمن تمام می‌کردند.

### ۱-۱. دیدگاه قرآن و سنت پیرامون قواعد جنگ (حقوق بشردوستانه)

با توجه به اهدافی که اسلام در جنگ دارد، می‌توان آن را به انواع گوناگون تقسیم بندی نمود:<sup>۱۷</sup>

۱. جنگ داخلی در قلمرو کشور اسلامی: این مفهوم خارج از چهارچوب موضوعی این مقاله است، از این رو، به آن پرداخته نخواهد شد. ۲. جنگ ابتدایی: منظور از این جنگ، جنگ با کفار و مشرکان است و نه افراد عادی یا غیر مسلمانان. در این جنگ، اسلام به مسلمانان دستور می‌دهد برای سرکوبی کفار جهاد نمایند. ۳. جنگ تدافعی: در جنگ تدافعی ممکن است حتی غیرمسلمانانی که اقدام به حمله و تعدی و پیمان شکنی به قلمرو اسلامی نموده‌اند، مورد جنگ قرار گیرند تا سرکوب شده و از سرزمین‌های اسلامی رانده شوند. ۴. جنگ آزادی بخش: در این نوع جنگ، هدف، دفاع از مظلوم و طرد استثمارگری و هر نوع استعمار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. این جنگ می‌تواند جنبه‌ای از جنگ تدافعی باشد. ۵. رباط یا دفاع از مرزهای کشور اسلامی: شکل خاصی از جهاد است که جنبه تدافعی دارد و منظور از آن حفاظت و دفاع از سرحدات میهن اسلامی در برابر بیگانگان است. ۶. جنگ میان کشورهای اسلامی: این نوع جنگ حاصل دنیای معاصر و تعدد کشورهای اسلامی است.

در هر حال، قرآن علت اصلی جهاد و کارزار را در اسلام علاوه بر خواباندن شر کفار، معامله به مثل می‌داند؛ حقی که در مباحث حقوق جنگ در عرصه بین‌المللی برای انسان‌ها و جوامع انسانی در نظر گرفته شده است و چه بسا بسیاری از جنگ‌های معاصر به این بهانه اما در اصل برای اهداف سیاسی رخ داده‌اند. از جمله آیات مصرح برای حق مقابله به مثل می‌توان به این آیات اشاره داشت: «... پس هرکس به جور و ستم کاری دست دراز کند او را به مقاومت

از پای درآورید، به قدر ستمی که به شما رسیده است...<sup>۱۸</sup> و یا می‌فرماید: «اگر به شما کسی عقوبت و ستمی رساند، باید به قدر آن در مقابل انتقام کشید...»<sup>۱۹</sup> همچنین، می‌فرماید: «هرکس همانقدر ظلمی که به او شده در مقام انتقام برآید...»<sup>۲۰</sup>

در تمام این آیات با این که خداوند جهاد و مقابله به مثل را حق انسان‌ها می‌داند، اما در مقابل اصل پذیرفته شده حق دفاع مشروع (مقابله به مثل)، متناسب بودن دفاع و حمله متقابل را امری لازم‌الاجرا دانسته و جوامع انسانی را از تخطی و نقض این قاعده بر حذر می‌دارد و آن را نوعی تجاوز مستقل قلمداد می‌کند.

اعلان قبلی جنگ، امری است که در کنوانسیون سوم لاهه ۱۹۰۷ بدان اشاره شده است و دولت‌ها موظف هستند با یک اخطار صریح و قبلی، آغاز درگیری را اعلام نمایند. در حقوق اسلام، در مواردی که حالت جنگی میان کشور اسلامی و دارالحرب برقرار است یا دشمن به سرزمین‌های اسلامی حمله‌ور شود، دیگر نیازی به اعلان جنگ نیست و حکم جهاد اجرا می‌شود، ولی اعلان جنگ در دو مورد زیر و توسط مقام صالح که به طور خاص امام (ع) و به طور عام رئیس حکومت اسلامی است، ضرورت دارد:<sup>۲۱</sup>

در صورتی که کشور متعاقد در اجرای قرارداد خود با دولت اسلامی قصور ورزد یا مرتکب خیانت شود (بی‌طرفی را نقض کرده و با دشمن همکاری نماید) در این صورت، مسلمانان حق فسخ قرارداد را دارند و باید به طرف مقابل اعلان حالت جنگی نمایند. در صورت فساد قرارداد؛ یعنی در صورتی که به جهتی از جهات مطابق شرع، قرارداد منعقد فاسد و باطل باشد (مقام صالح آن را منعقد ننموده باشد)، نمی‌توان با دشمن جنگید، مگر آنکه پیش از آن به او اعلان شده باشد.

در اسلام، به محض اعلان جنگ و یا شروع حالت جنگی، ممکن است تمام مراودات و اعمال تجاری با دشمن قطع نگردد و حتی کافر حربی می‌تواند تحت مجوز امان از سوی یکی از مسلمانان وارد سرزمین اسلامی شود و در چهارچوب مقررات اسلامی تجارت نماید و این ورود با صلاحدید و نظر و تشخیص دولت اسلامی بستگی دارد.<sup>۲۲</sup> این در صورتی است که در حقوق بین‌الملل عمومی و بخش حقوق در جنگ به این مسأله اشاره دارد که به محض اعلان جنگ و شروع حالت جنگی، تمام روابط تجاری با دشمن قطع می‌گردد و حتی بسیاری از کشورها برای اتباع خود که اقدام به تجارت با دشمن نمایند، مجازات‌های کیفری در نظر می‌گیرند.<sup>۲۳</sup>

در اسلام، تا هنگامی که معاهده صلح وجود دارد، اعلان جنگ از سوی دولت اسلامی امکان ندارد. بنابراین، ابتدا باید معاهده به دلیلی فسخ شود و سپس اعلان جنگ داده شود. بنابراین، در وهله نخست، جنگ موجب فسخ قرارداد صلح نمی‌شود، بلکه با فسخ قرارداد صلح، جنگ ممکن است بروز کند، ولی سایر قراردادهایی که در اجرای قرارداد صلح منعقد شده‌اند به تبع اعلان جنگ (فسخ قرارداد صلح) فسخ می‌شوند. به عنوان مثال، امانی که برای اتباع دولت متعاقد (به واسطه معاهده صلح میان دولت‌ها) وجود دارد از بین می‌رود و این افراد باید کشور اسلامی را ترک کنند.<sup>۲۴</sup>

طبق مقررات جهاد، کلیه اتباع دشمن در دارالاسلام، مستأمن یا ذمی محسوب می‌روند و می‌توانند مادام که شرایط لازم را رعایت کنند در مصونیت و تحت حمایت دولت اسلامی باشند. این مصونیت و حمایت شامل اموال و سایر حقوق سیاسی و مدنی نیز می‌گردد، مگر آنکه در پوشش مصونیت و حمایت دولت اسلامی از امکانات و اموال خود به نفع دشمن استفاده نمایند.<sup>۲۵</sup>

اموال دولتی دارالحرب در سرزمین حکومت اسلامی، به محض بروز حالت جنگی، تحت تملک دولت اسلامی درمی‌آید. اما در خصوص اموال خصوصی اتباع دارالحرب در صورت فسخ قرارداد صلح، امام باید آن دسته از معاهدانی را که وارد دارالاسلام شده‌اند، به محلی امن هدایت کند و امان بر جان و مال آنان تا رسیدن به مأمن مورد نظر باقی است. ولی دولت اسلامی می‌تواند از خروج کالاهایی که ممکن است موجب تقویت توان نظامی دشمن شوند جلوگیری نماید. اما اموال مستأمن تا پایان مدت امان محترم است، حتی اگر خود مستأمن دارالاسلام را ترک گوید و در دارالحرب بمیرد، اموال وی به وراثت مسلمانان یا ذمی او می‌رسد.<sup>۲۶</sup>

از دیگر قواعدی که در حقوق جنگ نوین مورد توجه است و طرفین متخاصم باید آن قاعده را رعایت نمایند، عدم حمله به غیر نظامیان و زنان و کودکان بی‌دفاع است.<sup>۲۷</sup> قاعده مزبور یکی از اصول لازم‌الاجرا در جنگ‌های مسلمانان بوده و هست. در این باره، نقل شده است که در جنگ حنین به پیامبر (ص) خبر دادند که خالد بن ولید زنی را کشته است. رسول خدا (ص) به شخصی فرمود که خود را به خالد برسان و بگو رسول خدا تو را نهی کرده از این که کودکی یا زنی یا شخص اجیر و بنده‌ای ضعیف را به قتل برسانی.<sup>۲۸</sup>

در اسلام فقط در دو مورد اجازه حمله به مناطق غیرنظامی داده شده است: نخست،

زمانی که دشمن در شهر مورد محاصره قرار گرفته و از آنجا به نیروهای اسلام ضربه وارد می‌کند و هیچ راهی برای فتح شهر وجود ندارد و هرگونه عملیات نظامی موجب ورود آسیب به مردم غیرنظامی می‌شود. در این صورت، جایز است که بر روی دشمن آتش گشوده شود. همانگونه که پیامبر (ص) در نبرد طائف با وجودی که زنان و کودکان و پیران در قلعه بودند، آن قلعه را با منجیق در هم کوبیدند.<sup>۲۹</sup> دوم، هنگامی که دشمن غیرنظامیان را سپر خود قرار داده و پشت سر آنها پناه گرفته است و از آنجا به لشگریان اسلام ضربه وارد می‌کند. در چنین صورتی نیز به شرط این که نبرد و جنگ با شدت ادامه داشته باشد و پیروزی متوقف به این امر باشد، می‌توان سپاه دشمن را مورد حمله قرار داد، اگرچه موجب کشته شدن غیرنظامیان گردد.<sup>۳۰</sup>

همچنین، در حقوق اسلام توسل به هرگونه روش بی‌رحمانه کشتار نیز ممنوع است،<sup>۳۱</sup> و این امر تحدید سلاح‌های مجاز را موجب می‌گردد. شریعت اسلامی این قاعده که هدف وسیله را توجیه می‌کند، رد می‌کند و جایی برای این قاعده در حقوق بین‌الملل اسلامی وجود ندارد. به عبارت دیگر، حقوق بین‌الملل اسلامی به دولت‌ها اجازه نمی‌دهد برای رسیدن به هدف هرچقدر هم که مقدس باشد، وسیله‌ای نامشروع به کار گیرند. کسی نمی‌تواند به این بهانه که طرف دیگر مخاصمه از غیرمسلمانان است که در مقابل مسلمانان قرار گرفته است، از قانون و عدالت و عمل به وجدان تخطی نماید.

از این روست که قوانین اسلامی رعایت اصل تفکیک را در زمان جنگ الزامی می‌دانند، به عنوان مثال، ممنوعیت بکارگیری سموم علیه نیروهای دشمن. هرچند در زمان تسدوین مقررات جهادی اسلام خبری از تسلیحات کشتار جمعی به این صورتی که امروزه کشتار و تخریب می‌کنند نبود، اما با این حال، در آن زمان استفاده از سموم به جهت این که بدون تفکیک و تمایز موجبات کشتار غیرنظامیان بالاخص زنان و کودکان را فراهم می‌آورد از نظر مقررات اسلامی ممنوع اعلام گشته بود. این ممنوعیت در روایتی که از رسول اکرم (ص) نقل شده صراحتاً اعلام گردیده است.<sup>۳۲</sup> در یکی از جنگ‌ها، زمانی که رسول خدا (ص) با جسد یک زن در صحنه نبرد روبرو شدند، از علت قتل آن زن سؤال کرده و دستور فرمودند: که زنان و کودکان مورد تعرض قرار نگرفته و کشته نشوند.<sup>۳۳</sup> همچنین، زمانی که به رسول اکرم (ص) خبر دادند که مسلمانان اطفال مشرکین را به قتل می‌رسانند ایشان به شدت از این کار نهی فرموده و در جواب کسانی که دلیل می‌آوردند آنها اولاد مشرکین هستند، بیان کردند: «مگر شما

فرزندان مشرکان نبودید...»<sup>۳۴</sup>. همانا رسول خدا (ص) از قتل زنان و کودکان در دارالحرب نهی کرده است، مگر این که این عده مشغول جنگیدن باشند.<sup>۳۵</sup>

رفتار با اسیران جنگی از دیگر موارد مورد توجه در اسناد بین‌المللی است که به قواعد حقوق در جنگ پرداخته‌اند.<sup>۳۶</sup> در این اسناد گفته شده است که رفتار با اسرای جنگی باید بر اساس اصول انسانی صورت بگیرد و حقوق اولیه ایشان باید محترم شمرده شود. در حقوق اسلام، رفتار با اسیر مقررات مفصلی دارد. ابتدا تذکر این نکته لازم است که بین تعریف و مصادیق اسیر در حقوق اسلام با حقوق بین‌الملل تفاوت‌هایی وجود دارد؛ در حقوق بین‌الملل، اسیر به کسی اطلاق می‌شود که به هر صورت در میدان جنگ دستگیر شود، خواه داوطلبانه تسلیم شود و خواه به اجبار او را دستگیر کنند،<sup>۳۷</sup> اما در حقوق بین‌الملل اسلام، کسانی که خود را تسلیم کنند، با شرایط زیر اسیر قلمداد نخواهند شد و آزاد می‌گردند: نخست این که، در بحبوحه جنگ و قبل از معلوم شدن سرنوشت جنگ (پیروزی مسلمین) تسلیم شده و تقاضای امان نمایند. دوم این که، تقاضای امان آنها توسط رهبر مسلمین یا هریک از مسلمانان با در نظر گرفتن مصالح مسلمین پذیرفته شود.<sup>۳۸</sup>

در حقوق اسلام، رفتار انسانی داشتن با اسیر (و به طور کلی با همه کسانی که در بند هستند) از وظایف مسلمانان است و حق هیچگونه آزار و اذیت و اهانتی نسبت به آنان را ندارند. پیامبر بزرگ اسلام مسلمانان را مکلف می‌ساختند تا کرامت انسانی اسرا را محترم شمارند و به آنها ظلم نکنند، زیرا هدف، هدایت آنان است.<sup>۳۹</sup> رسول خدا در جنگ خیبر بلال را نهی کردند از این که اسرا را از میان اجساد و کشته‌ها که موجب آزار و تأثر خاطر آنها می‌شد، عبور دهد.<sup>۴۰</sup> همچنین، پیامبر اسلام در جنگ بدر می‌فرمودند: «به اسیران اکرام کنید و آنها را در غذای خودتان مقدم دارید».<sup>۴۱</sup> به راستی که تمام سنن پیامبر در تمام زمینه‌ها و به خصوص رفتار با اسرای جنگی، برگرفته از کلام وحی است، به طوری که خداوند در قرآن می‌فرماید: «و از غذایی که دوست دارند به مساکین، یتیمان و اسرا می‌دهند».<sup>۴۲</sup>

همچنین، چنانچه از روایات بر می‌آید، رسول خدا اسرای جنگی را یا بین مسلمانان تقسیم می‌کردند تا از آنان محافظت کنند، یا ایشان را در مسجد نگه می‌داشتند و یا حتی اسرای جنگی را در خانه خویش نگهداری می‌کردند. همچنین، رسول خدا اجازه نمی‌دادند اسرا را عریان نگه دارند و حتی لباس خویش را نیز به اسرا می‌دادند. از سوی دیگر، در دوران حکومت رسول خدا، هنگام کار گرفتن از اسرای جنگی، می‌بایست به ایشان مزد پرداخت

می‌شد.<sup>۴۳</sup> تمام این موارد، همگی مورد اشاره در کنوانسیون سوم ژنو، یا همان حقوق در جنگ معاصر است.

کشتن اسرای جنگی نیز از مواردی است که در اسلام ممنوع شده است، مگر در مواردی مثل خیانت جنگی محرز شده، آنهم به حکم امام و رهبر مسلمین و اگر کسی اقدام به قتل اسیر نماید، قاتل به شمار رفته و مجازات می‌شود و باید دیه پرداخت نماید.<sup>۴۴</sup> پیامبر خدا (ص) فرموده است: «اگر شخصی در دست شما اسیر بود که روزی دارای شأن و مقام والایی بوده و اینک منزلت خود را از دست داده است، با او به نیکویی رفتار کنید».<sup>۴۵</sup>

از سوی دیگر، مسلمانان حق کشتن مجروحان دشمن را نیز ندارند و حتی برخی معتقدند که باید آنها را به محل خود برگردانند.<sup>۴۶</sup> همچنین، طبق دستور اسلام و به مقتضی احسان، باید آنها را مورد مداوا قرار داد.

از مهم‌ترین دستورات جنگی پیامبر (ص)، رعایت مجروحان و عدم تعرض به ایشان است. حضرت به چند مورد تأکید فراوان داشتند و اصحاب نیز مطلع بوده و سعی در مراقبت آن داشتند، مگر عده‌ای که در بعضی موارد، تخلفاتی از آنان صادر شده و در آن موارد، رعایت و عدم تعرض به زنان و کودکان، اسیران، مجروحان، فرارکنندگان و کسانی که کشف عورت خود می‌نمایند، می‌باشد.<sup>۴۷</sup>

پیامبر (ص) جز نقل آزادی اسیران، هیچ عمل دیگری انجام نمی‌دادند و روایت مربوط به نحوه عملکرد با اسیران بنی قریظه و حکم سعد بن معاذ، همگی از مدارک و منابع غیرشیعی نقل شده و از اعتبار ساقط است و حجیت استناد ندارد. پیامبر (ص) در هیچ جنگی، اقدام به قتل اسیران ننموده و تنها دستور به رهایی آنان صادر فرموده‌اند. چنان‌که در جنگ ذات السلاسل، پس از آنکه اسیران را به حضور نبی اسلام (ص) و با دستان بسته آوردند، حضرت فرمودند: «یا علی! این طناب‌ها و زنجیرها را باز کن، من نمی‌توانم اینان را بسته شده ببینم، اگرچه مشرکند».<sup>۴۸</sup>

از پیامبر خدا (ص) نقل شده است که «خداوند آنانی را که در این دنیا مردم را شکنجه می‌کنند، عذاب خواهد کرد». انزجار آن حضرت از شکنجه در مسأله سهیل بن عمرو العامری که خطیبی زبردست بود و تمام هنر و استعداد خود را معطوف حمله به پیامبر (ص) و رسالت او کرده بود، به نحو بارزی آشکار است. عمر بن خطاب از رسول خدا (ص) خواست که به او اجازه دهد تا دندان‌های ثنایای سهیل را درآورد تا این که او قادر به خطابه علیه پیامبر (ص)

نباشد، پیامبر (ص) در پاسخ فرمودند: «من او را مثله و ناقص نخواهم کرد، زیرا اگر چنان کنم، خداوند حتی مرا که فرستاده اویم مثله خواهد نمود».<sup>۴۹</sup>

به طور کلی، چنان که به حد بضاعت اشاره شد، اسلام، قرآن و سیره پیامبر (ص) همگی اشاره به این موضوع دارند که حتی اگر در صورت لزوم جنگی، در قالب مفهومی جهاد اجتناب ناپذیر بود، باید تمام اصول انسانی و جوانمردی و انصاف در تمام مراحل این جنگ رعایت شود و تا حد امکان، تلفات جنگ را به حداقل رساند، زیرا که در اسلام، هدف اولیه و غایی هدایت انسان‌ها است و حکم جهاد جایی جاری می‌شود که قومی هدایت ناپذیر باشند و شروع به ظلم و ستم و تعدی به انسان‌ها نمایند.

## ۲. حقوق بشردوستانه در حکومت علوی

قبل از پرداختن به مصادیق عینی قواعد لازم‌الاجرا در مخاصمات و جنگ‌های دوران حکومت امیرالمومنین (ع)، لازم است ابتدا دیدگاه آن حضرت راجع به مشروعیت و بروز جنگ را بررسی نمود، سپس، شیوه‌های جنگی مورد استفاده در آن نبردها را بررسی کرده و در انتها مصادیق عینی این اصول را ذکر کرد.

### ۲-۱. جنگ ستیزی امیرالمومنین (ع)

همانطور که گفته شد، اسلام دینی است جنگ‌ستیز و علت وجود حکم جهاد نیز، ستاندن داد مظلوم از ظالم و اعاده حقوق زایل شده مردم است. اگر جنگ به خاطر گرفتن داد ستمدیده از ستمکار و یا پیروزی حق و بازستاندن مال غارت شده و عزت و شرافت از دست رفته و قصاص خون به ناحق ریخته باشد، در این صورت، یک ضرورت اجتماعی و انسانی خواهد بود، ولی به شرط آنکه قبل از جنگ، در راه ایجاد حسن تفاهم، مذاکراتی به عمل آید.

علی (ع) در جواب اصحاب خود که در جنگ صفین می‌گفتند چرا اجازه جنگ داده نمی‌شود، فرمودند: «اما این که می‌گویید در جنگ تأخیر می‌کنم! آیا این همه درنگ و تأمل من برای ترس از مرگ است؟ به خدا سوگند من باکی ندارم که به سوی مرگ بروم یا مرگ به سوی من بیاید. و این که می‌گویید در جنگ با مردم شام شک و تردید دارم، به خدا سوگند که من یک روز جنگ را به تأخیر نینداختم مگر به خاطر آنکه دوست دارم گروهی بر من بپیوندند و هدایت یابند و از روشنایی چراغ هدایت من بهره‌مند شوند، و این در نزد من محبوب‌تر است از آن که آنان در گمراهی بمانند و من با آنان بجنگم، اگرچه گناه آنان بر

خودشان است».<sup>۵۰</sup> از این بیانات و از سایر سفارشات امیرالمومنین (ع) مشخص می‌شود که آن حضرت نه تنها جنگ‌ستیز هستند، بلکه هدف از رویارویی‌های جنگی را در ابتداء امر، هدایت و روشنگری آن دسته کوردلانی می‌دانند که نادانسته به صفوف کارزار دشمن پیوسته‌اند و حتی هدف نهایی از جنگ‌های مسلمانان انتقام‌گیری، قتل، نابودی و شکنجه و توهین به دشمن و اسرا نیست، بلکه هدف، پیروزی در ستاندن داد مظلوم از ظالم است. از این رو، علی (ع) می‌فرماید: «به خدا سوگند که هدفم در جنگ، بازستاندن داد مظلوم و پند و اندرز دادن ظالم و ستمگر است».<sup>۵۱</sup>

چه بسا هنگامی که ترغیب به صلح سودمند واقع نشد، علی (ع) به تهدید دشمن پرداخت، زیرا آنچه در نظر ایشان مهم بود آن است که تا امکان دارد از خونریزی و کشته شدن عده‌ای بی‌گناه جلوگیری شود. ایشان در تهدید سپاهیان دشمن در جنگ نهروان چنین فرمودند: «من نگران روزی هستم که اجساد بی‌جان شما در میان این نهر افکنده شود و شما کشته شوید بدون آنکه در نزد پروردگار خود دلیلی داشته باشید و حاجتی روشن برای خود بیاورید. من شما را از این حکومت نهی کردم ولی شما نپذیرفتید و مانند پیمان شکنان با من مخالفت کردید، تا آنکه من نظر خود را به میل و خواهش شما تغییر دادم و من شر و بدی را برای شما نیاوردم و برای شما ضرر و زیانی نخواستم».<sup>۵۲</sup>

باید دانست که علت پیدایش جنگ‌های داخلی در زمان حکومت چند ساله علی (ع)، جز به این منظور نبوده که گروهی جاه طلب، خواستار امتیاز و تبعیض بودند و علی با آنها موافقت نمی‌کردند.<sup>۵۳</sup>

در مقدمه منشور سازمان ملل متحد آمده است: «... برای دستیابی به این اهداف (اجتناب از جنگ و رعایت عدالت و حفظ کرامت ذاتی انسان‌ها)، به تساهل و مدارا کردن و زیستن در صلح با یکدیگر و با یک روحیه حسن همجواری و اتحاد قوای خود برای نگهداری صلح و امنیت بین‌المللی و... با منشور ملل متحد موافقت نموده و بدین وسیله یک سازمان بین‌المللی که موسوم به ملل متحد خواهد بود تأسیس می‌نمایند».<sup>۵۴</sup>

علی (ع) در یکی از خطبه‌های خویش می‌فرماید: «بارخدا! تو می‌دانی جنگ و کشمکش ما به خاطر قدرت‌طلبی یا فزون‌خواهی ثروت دنیا نیست، بلکه برای آن است که نشانه‌های دین تو را بازگردانیم. اصلاح را در سرزمین‌های تو حاکم نماییم تا بندگان مظلومت امنیت یابند و حدود تعطیل شده آن به اجرا درآید».<sup>۵۵</sup>

در جای دیگری می‌فرمایند: «هرگاه دشمن دست آشتی به سوی تو دراز کرد، چنانچه خشنودی خدا در آن است، بپذیر. این صلح موجب آسایش سپاهیان و آرامش خاطر تو و امنیت شهرها است...»<sup>۵۶</sup>

از آنجا که لشکریان جمل امنیت جامعه را به خطر انداخته بودند و بر اهل بصره یورش آورده بودند و استقلال و حاکمیت اسلامی را مورد تهدید جدی قرار داده بودند و به ناحق بر مسلمانان تحت فرمان حضرت، حمله کردند، امام برای سرکوب فتنه، حرکت کردند و اقدامات و تدابیر لازم را تدارک دیدند. البته، همواره سعی داشتند که مسأله به جنگ پایان نپذیرد و خونی به ناحق ریخته نشود، اما هنگامی که کار از کار گذشت و چاره‌ای جز غرّش شمشیرها و شیهه اسب‌ها نبود، امام دستور حمله دادند. علی (ع) در جنگ جمل با دیدن دوستان قدیمی خویش از جمله زبیر، مدتی طولانی ایشان را در آغوش می‌کشیدند و از دوستی‌ها و الفت‌های گذشته با آنان سخن می‌گفتند تا از این راه آنان از راه دشمنی بازگردند و به صلح خوانده شوند، مگر این که ایشان خود در جنگ اصرار می‌داشتند، چنانچه زبیر به این ابراز دوستی‌ها توجه نکرده و به میدان نبرد جمل آمد تا کشته شد.<sup>۵۷</sup>

## ۲-۲. تسویه‌های جنگی در حکومت علوی

امیرالمومنین (ع) نه تنها سعی در عدم بروز جنگ داشتند، بلکه در صورت بروز جنگ، تمام اصول انسانی و لازم‌الاجرا در زمان صلح را در نظر می‌گرفتند و سعی در تقلیل تلفات جنگ و جلوگیری در از بین رفتن حقوق افراد داشتند. به طوریکه وقتی معقل بن قیس ریاحی را با سه هزار سرباز به سمت پیش‌تلائی سپاه خود به شام فرستادند، به او به سفارش نوشتند: «در پیشگاه خدا، که از لقای او گریزی نداری، و به جز او پایان تو نیست، تقوا ورز و جز با آن کس که به جنگ تو پیش آید نبرد مکن، به دو هنگام صبح و عصر راهپیمایی کن و در نیم‌روز که گرما بالا گیرد به سپاهیان استراحت ده و آهسته بران و در آغاز شب راه مپیما که خدای آن را هنگام آرامش قرار داده و... آنگاه که به دشمن برخوردی در میان یاران خود قرار گیر و مانند کسی که می‌خواهد آتش جنگ برافروزد، به دشمن نزدیک مشو... و زنهار که کینه‌توزی دشمن تو را با او بر نیانگیزد مگر آنکه خصم را به راه حق خوانده و حجت بر آنان تمام کرده باشی»<sup>۵۸</sup>. در این نامه، علی (ع) نکات زیر را مورد توجه قرار داده‌اند:

۱. عدم جنگ و نزاع با غیرنظامیان و درگیر نکردن ایشان در مخاصمه. ۲. عدم سخت‌گیری به سپاهیان و جنگاوران و رعایت حقوق ایشان، از جمله استراحت و سلامت

روحی ایشان. ۳. عدم جنگ طلبی و آغاز مخاصمه. ۴. اعلان و آغاز جنگ پس از سپری کردن تمام راه‌های ممکن برای حل نزاع پیش آمده از طرق مسالمت‌آمیز.

و یا زمانیکه در جنگ صفین، دشمنان شعله جنگ را برافروختند و آب را بر علی (ع) و یارانش بستند و به وی پیغام دادند که آب را تا مرگ وی بر روی ایشان خواهند بست، ولی وقتی سپاه امیرالمومنین (ع) دشمن را از سرچشمه آب عقب راندند و چشمه را به دست آوردند، همان دشمنان را برای آشامیدن این آب دعوت کردند، همچنان که سپاه اسلام و مرغان هوا از آن می‌نوشیدند و کسی مانع نمی‌شد. در این هنگام، علی (ع) روی به سپاهیان خویش کرده و فرمودند: «پاداش مجاهد شهید در راه خدا، افزون‌تر از آن کسی نیست که قدرت یابد و عفو کند. شاید کسی که عفو می‌کند و می‌بخشد، تا مرتبه فرشتگان بالا رود...»<sup>۵۹</sup>

شاید اگر علی (ع) نیز آب بر آنها می‌بست و اینگونه تشنگی بر آنها چیره می‌شد، تسلیم شده و پیروزی از آن سپاه اسلام می‌گردید، اما حتی امیرالمؤمنین (ع) حاضر نشدند که در مقام مقابله به مثل یک عمل غیر قانونی، اقدام به عملی غیر قانونی و غیر انسانی نمایند.

در جای دیگر آن حضرت به جاریه بن قدام که به نبرد و فرونشاندن طغیان بستر بن ابی ارضاء، که از سوی معاویه برای سرکوب مردم مدینه رفته بود، گسیل شده اینگونه سفارش می‌کند: «ای جاریه، تو را وصیت می‌کنم بترس از خدا چه آن جامع نیکی هاست. به یاری خدا رهسپار شو، پس دشمن خود را دیدار کن و جز آن کس که با تو نبرد می‌کند، نبرد نکن و زخم‌داری را مکش و چارپایی را به زور مگیر، اگر چه خود و همراهانت پیاده روی کنید، و آب‌های مردم را به خود اختصاص مده و جز مازاد ایشان را به رضای خاطر ایشان میاشام و مرد و زن مسلمانی را دشنام مده تا خود به کاری تن دهی که شاید دیگری را بر آن ادب کنی و بر مرد و زن ذمی ستم مکن و خدا را یاد کن و در شب و روز سستی مکن و پیادگان خود را سوار کنی و یکدیگر را کمک دهید، با کوشش و شتاب رهسپار باش و دشمن را از هر جا باشد برکن و او را در حال پیشروی بکش و زبون و آکنده از خشمش بازگردان و خون را به حق بریز و به حق حفظ کن و هر کس توبه کند، توبه‌اش بپذیر و در هر زمانی به هر حالی گزارش‌هایت برسد و راستی راستی، چه دروغ کس را نظری صائب نیست».<sup>۶۰</sup>

در جنگ صفین، علی (ع) شنیدند که گروهی از اصحابشان به مردم شام دشنام می‌دهند. از این رو، فرمودند: «من برای شما ناپسند می‌دانم که دشنام‌گوی باشید، اما اگر شما چگونگی کردار آنان را بیان کنید و حالشان را به زبان آورید، در گفتار به صواب نزدیکتر و در عذر

رساتر است و به جای دشنام دادن به آنان بگویید: بار خدایا از ریخته شدن خون ما و خون آنان جلوگیری فرمای و بین ما و بین آنان را اصلاح نمای و آنان را از گمراهی‌شان به راه راست رهبری کن تا آن کس که به حق نادان است آن را بشناسد و آن کس که بسی شیفته گمراهی و دشمنی است از آن بازگردد».<sup>۶۱</sup>

علی (ع) در این گفتار خویش دو نکته مهم را به سپاهیان و اصحاب خود گوشزد می‌نماید:

۱. ایشان را از اهانت و گفتار ناپسند حتی نسبت به دشمن خود باز می‌دارند، زیرا که اهانت و دشنام سبب تیره‌تر شدن روابط و فروزان‌تر شدن شعله جنگ می‌گردد. ۲. ایشان را در راه صلح و الفت و دوستی هدایت‌گر است تا اینگونه یا جنگی رخ ندهد و یا تلفات جنگ را کاهش دهند.

علی (ع) در تمام جنگ‌ها از خداوند باری تعالی درخواست دارند که: «خدایا اگر بر دشمن پیروزمان ساختی، ما را از تجاوز بر کنار دار و بر راه حق استقرارمان ده».<sup>۶۲</sup> همچنین، به مالک اشتر نوشت: «به کسی که رو در روی تو نیست، ضربه زن و کسی که پشت کرده را مکش».<sup>۶۳</sup>

وفاداری به عهد و پیمان در دوران صلح یک صفت انسانی و یک وظیفه اجتماعی است و در دوران جنگ سبب تحکیم پایه‌های صلح و جنگ ستیزی می‌گردد و امنیت کشورها و آسایش ملت‌ها را به دنبال دارد. به همین دلیل، مسأله وفای به عهد و پیمان، در حکومت و خلافت علی (ع) یک قانون تخلف‌ناپذیر است و آن حضرت بر آن کسی که عهد و پیمان می‌بندد لازم و ضروری می‌داند که با جان و روح خود در راه حفظ آن بکوشد. در این باره در خطبه‌ای می‌فرماید: «وفا به عهد با راستی توأم است و من سپری نگهدارنده‌تر از آن نمی‌شناسم و هرکس که بداند سرانجام چیست، نیرنگ به کار نمی‌برد...».<sup>۶۴</sup> و در نامه‌ای که به فرماندارش در مصر می‌نویسد: «اگر با دشمن پیمان نهادی، در ذمه خود او را امان دادی، به عهد خویش وفا کن و آنچه را بر ذمه داری ادا و خود را چون سپری برابر پیمانست برپا، چه مردم بر هیچ چیز از واجب‌های خدا چون بزرگ شمردن وفای به عهد سخت همداستان نباشند با همه هواهای گوناگون که دارند، و رأی‌های مخالف یکدیگر که در میان آرند، و مشرکان نیز جدا از مسلمانان وفا به عهد را میان خود لازم می‌شمارند، چه زیان پایان ناگوار پیمان شکنی را بردند. پس از آنچه به عهده گرفته‌ای خیانت مکن و پیمانی را که بسته‌ای مشکن و دشمنت را

که در پیمان توست مفرب...»<sup>۶۵</sup>

وفاداری به عهد و پیمان در نزد علی (ع) چنان مقدس و لازم‌الرعایه است که حتی ایشان پایبندی خود به عهدنامه حکمیت را که در نتیجه نیرنگی آشکار منعقد شده بود نقض نکردند و در مقابل سرسختی اصحاب خود که به نتیجه حکمیت اعتراض داشتند فرمودند: «آیا پس از آنکه عهدنامه‌ای نوشتیم آن را نقض کنیم؟ این کار صحیح نیست، اکنون که راضی شده‌ایم و پیمان بسته‌ایم دوبرتبه به جنگ بازگردیم! مگر خدا نمی‌گوید که به پیمان‌هایتان وفادار بمانید.»<sup>۶۶</sup>

### ۳-۲. مصادیق عینی قواعد جنگ در حکومت علوی

تمام مقررات ذکر شده در اسناد حقوقی که به قواعد و مقررات حقوق بشردوستانه پرداخته اند، مشمول اصولی هستند که امیرالمؤمنین آنها را در نبردها و مخاصمات خویش به کار برده و سپاهیان خویش را امر به رعایت و احترام به این اصول می‌کردند. از جمله این اسناد می‌توان اسناد چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی آنها اشاره کرد که به صورت کلی مورد بررسی تطبیقی قرار خواهند گرفت.

#### ۱-۳-۲. کنوانسیون اول ژنو ۱۹۴۹: بهبود سرنوشت مجروحین و بیماران در نبرد

طبق این کنوانسیون، تمام کسانی که در جنگ شرکت ندارند به انضمام افراد نیروهای مسلحی که اسلحه به زمین گذاشته‌اند یا تمام کسانی که به علت بیماری یا زخم و یا هر علت دیگری قادر به جنگ نباشند، باید بدون هیچ تبعیضی از لطمه به حیات یا تمامیت بدنی ایشان، قتل، رفتار بی‌رحمانه و آزار و شکنجه در امان باشند. با زنان باید با کلیه احترامات خاصی که لازمه جسم ایشان است رفتار خواهد شود. دولتی که مجبور به رها کردن زخمیان است باید تا حد امکان وسایل و امکانات بهبود آنان را در اختیارشان قرار دهد و از دست درازی به ایشان اجتناب نماید.<sup>۶۷</sup>

مصادیق عینی این اصول را می‌توان در عملکرد سپاهیان اسلام و در زمان خلافت

امیرالمؤمنین یافت که از جمله این مصادیق عبارتند از:

❖ بخشی از نامه علی (ع) به سپاه خویش، پیش از برخورد با دشمن در نبرد صفین: «با آنان آغاز جنگ مکنید تا آنان به آن دست زنند. چه حمد خدای را که بر شما حجت و دلیل است، و اگر از نبرد با آنان خودداری کنید تا آنان جنگ را آغاز نمایند این نیز شما را حجتی

دیگر است. آنگاه که به اذن خدا بر دشمن شکست افتاد، فراریان را مکشید و آنان را که از حفظ جان خویش ناتوانند دنبال مکنید و زخمیان را از پای در میاورید و زنان را با آزار برانگیخته نکنید هر چند به حیثیت شما اهانت کنند و فرماندهانتان را دشنام گویند.<sup>۶۸</sup>

❖ پس از اتمام جنگ جمل، علی (ع) چنین دستور می‌دهند: «زخم‌داری کشته نشود و گریزنده‌ای را دنبال نکنید و به روی پشت کننده‌ای نیز نریزه نزنید و هر کس سلاح را بیاندازد در امان است، و هر کس در خانه‌اش را ببندد در امان است...».

❖ در جنگ نهروان امام علی (ع) فرمان دادند چهل نفر از خوارج نهروان را که مجروح شده و در میدان باقی مانده بودند برای مداوا به کوفه برسانند و تمامی مجروحان را که رمقی برای آنها باقی مانده بود، به خانواده‌هایشان برگردانند، خواه امکان معالجه آنان فراهم باشد یا نباشد و حتی امیرالمؤمنین اجازه مثله کردن و هیچگونه هتک حرمت به اجساد سربازان دشمن را نمی‌دادند، چه حین جنگ و چه در پایان جنگ.<sup>۶۹</sup> علی (ع) چنان با جنگ و خونریزی مخالف بودند که آن را آفت حکومت و سبب سستی و زوال حکومت می‌دانند و در بخشی از نامه خویش به مالک چنین می‌نویسند: «قدرت و حکومت خود را با ریختن خون بیگناهان استوار مساز که این کار موجب ضعف و سستی بنیان حکومت می‌گردد و بلکه آن را از بین برده و به دست کس دیگری می‌سپارد و البته، در قتل عمد، عذر تو نه در پیشگاه خداوند و نه در نزد من، پذیرفته نخواهد شد».<sup>۷۰</sup>

امیرالمؤمنین (ع) در جنگ صفین فرمودند: «مرده را قطعه قطعه نکنید و اگر به اندرون دشمن راه یافتید، پرده‌ها را ندرید و داخل خانه‌ها نشوید و زنان را اذیت نکنید حتی اگر بد بگویند و امیر شما را دشنام دهند».<sup>۷۱</sup>

### ۲-۳-۲. کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹: رفتار با اسرا

در پی تمام مخاصمات مسلحانه خواه ناخواه تعدادی از افراد به عنوان اسیر، در اختیار طرفین منخاصمه قرار می‌گیرند که این افراد به حکم انسان بودن و داشتن حیات می‌بایست از حداقل حقوق انسانی خود بهره‌مند گردند و قدرت‌هایی که این اسرا در اختیار آنان قرار دارند حق ندارند که این افراد را از حقوق خود محروم سازند. محدوده برخورداری ایشان از حقوق خویش موضوع اسناد متعددی گشته که مهم‌ترین این اسناد، کنوانسیون سوم ژنو است. نسبت به تمام اسرا و بدون هیچ تبعیضی نباید اعمال زیر را صورت داد:

لطمه به حیات و تمامیت بدنی من جمله قتل به تمام اشکال آن، زخم زدن، رفتار

بی‌رحمانه، شکنجه و آزار. اسیران جنگی نمی‌توانند در هیچ حالی از تمام یا قسمتی از حقوق معین شده برای خویش محروم گردند. اسیران جنگی در اختیار اشخاص یا نیروهایی که آنها را اسیر کرده‌اند نیستند بلکه در اختیار دولت دشمن هستند. دولت مزبور باید رفتاری انسانی با اسرا داشته باشد و از رفتار خشونت‌آمیز یا تحقیرکننده نسبت به آنان حذر کند و حرمت و شرافت آنان را رعایت نمایند و محترم شمارند. دولت مزبور مسئول حفظ سلامت و نگهداری ایشان است و تمام هزینه‌های این امر برعهده آن دولت است.<sup>۷۲</sup>

ماده ۱۴ کنوانسیون سوم ژنو: اسیران جنگی در همه حال ذی‌حق احترام شخصی و شرافت خویش هستند. باید با زنان با کلیه احتراماتی که لازمه جنس آنان است رفتار شود و در هر حال باید از همان مساعدتی که در حق مردان اعطا می‌شود، برخوردار گردند.

❖ پس از پایان جنگ جمل و پیروزی علی (ع) و سپاهانش، علی (ع) بازماندگان سپاه دشمن را مورد عفو عمومی قرار دادند و با عایشه همسر پیامبر رفتاری محترمانه داشتند و مقدمات سفر او را فراهم کرده تا به مدینه بروند و اینگونه عمل کردند: چهل زن که به فرمان علی (ع) در معیت عایشه قرار گرفتند و به ظاهر لباس مردانه پوشیدند تا بیگانگان آنان را مرد انگارند و افکار ناروا به ذهن احدی در باره آنان و همسر رسول خدا (ص) خطور نکند. عایشه نیز تصور می‌کرد ایشان همگی مرد هستند و به این امر انتقاد نمود، اما وقتی به مدینه رسیدند و آنان را زنانی یافتند در لباس مردان، از اعتراض خود پوزش طلبیده و گفتند: «خدا فرزندانش ابوطالب را پاداش نیک دهد که حرمت رسول خدا (ص) را در مورد من رعایت کرد».<sup>۷۳</sup>

ماده ۲۶، کنوانسیون سوم ژنو: جیره اساسی یومیه از حیث کم و کیف و تنوع کافی باشد، به طوری که تمام اسیران جنگی را در حالت سلامت کامل نگه دارد و از تقلیل وزن آنان یا عوارض کمبود غذایی جلوگیری کند. در تغذیه اسیران جنگی باید رژیم غذایی عادی ایشان رعایت شود.

❖ زمانی که ابن ملجم مرادی بر فرق علی (ع) ضربه‌ای وارد ساخت و یاران علی (ع) او را دستگیر کردند، علی (ع) به امام حسن (ع) اینگونه توصیه کردند: «ای حسن مواظب دشمن باش، شکمش را سیر کن و بندش را محکم ببند...».<sup>۷۴</sup>

❖ امام علی (ع) خطاب به فرزندش امام حسن فرمودند: «از نظر شرع مقدس اسلام، علاوه بر این که اهانت بر اسرا جایز نیست، باید نسبت به آنها با اخلاق اسلامی رفتار نمود».<sup>۷۵</sup>

❖ به نقل از طبری، علی (ع) بر کشتگان جمل که از بصره و کوفه بودند، نماز گذارد و

بر یاران خود که جام شهادت نوشیده بودند نیز نماز گذارد و همگان را در قبر بزرگی به خاک سپارد. سپس، دستور داد که تمام اموال مردم را به خودشان باز گردانند به جز اسلحه‌ای که در آنها علامت حکومت باشد و بیان فرمودند که از مال مسلمانان مرده، چیزی بر دیگران حلال نمی‌شود.<sup>۷۶</sup> گروهی از یاران امام اصرار داشتند که با اسیران جمل معامله نبرد با مشرکان گردد، یعنی دستگیرشدگان‌شان برده شوند و اموالشان قسمت گردد. امیرالمؤمنین (ع) در این باره فرمودند: «یعنی کدام یک از شما حاضر است عایشه را بابت سهم خود بردارد؟»<sup>۷۷</sup> از این رو، علی (ع) سپاه جمل را باغی<sup>۷۸</sup> قلمداد کردند.

❖ موسی بن طلحه بن عبید الله می‌گوید: پس از جنگ با علی، اسیر شدم و مرا به بازداشتگاه بردند. تا این که مرا صدا زدند و نزد علی (ع) بردند. ایشان به من فرمودند: بگو استغفرالله، من هم گفتم. حضرت فرمود: رهایش کنید برود و هر سلاح و مالی که در لشکرگاه ما از اوست با خود ببرد.<sup>۷۹</sup>

❖ امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: «اطعام و احسان به اسیر از لوازم ضروری است».<sup>۸۰</sup>

❖ زمانی که اسیران ایرانی را به مدینه آوردند، عمر بن خطاب، زنان را به جهت کنیزی، در معرض فروش گذاشت. امیرالمؤمنین (ع) به او فرمودند: «پیامبر (ص) می‌فرمودند که بزرگ هر خاندانی را بزرگ بدارید. من خدا و شما را گواه می‌گیرم که سهم خود را از این کنیزان، برای خدا، آزاد نمودم. بقیه نیز گفتند ما هم حق خود را به تو بخشیدیم».<sup>۸۱</sup>

❖ همچنین است بخشندگی و رأفت آن حضرت نسبت به تمام اسرا، حتی آنان که بدترین دشنام‌ها را به ایشان داده و یا سرسخت‌ترین دشمنی‌ها را با ایشان داشته‌اند. همچون مواردی که از جنگ جمل ذکر شده است: ایشان مروان بن حکم را که توسط مالک اشتر اسیر شده بود و از دشمن‌ترین افراد به علی (ع) بود و یا عبدالله بن زبیر که علناً به علی (ع) دشنام می‌داد و حتی سعید بن العاص که از دشمنان سرسخت ایشان بود را آزاد ساختند.<sup>۸۲</sup>

اسرای جنگی نباید فقط به دلیل شرکت در عملیات نظامی سپاه دشمن مورد قهر و غضب حکام و مسئولین و متصدیان امر در حفاظت از ایشان باشند. اسرا باید مثل سایر افراد از حداقل حقوق خود برخوردار باشند و بتوانند در شرایط مناسبی از نظر تغذیه و محل اقامت برخوردار باشند. ایشان همچنین باید بتوانند با خانواده‌های خود در ارتباط باشند و همه این موارد نکاتی هستند که در تمام جنگ‌های زمان حکومت علی (ع) از طرف ایشان لازم‌الاجرا بودند و نقض حقوق اسرا خطایی نابخشودنی تلقی می‌شد.

### ۳-۲. پروتکل‌های ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های زنو: حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه

علاوه بر افرادی که به طور مشخص در مخاصمات شرکت می‌کنند و تحت تأثیر تمام شرایط جنگ قرار دارند، عده‌ای دیگر از افراد که در مخاصمه مذکور شرکتی ندارند نیز ممکن است تحت تدبیر آثار جنگ باشند. افرادی مثل زنان، کودکان و سالخورده‌گان، افرادی هستند که باید به طور ویژه حمایت شوند تا آثار جنگ نسبت به ایشان به حداقل برسد.

علی (ع) برای حمایت از قربانیان جنگ‌ها به خصوص کودکان و زنان، سفارشات متعددی دارند و همچنین، برای افرادی که در حال فرار هستند و قصد دارند از روند جنگ خارج شوند نیز قائل به حقوقی از جمله حقوق زیر هستند: سیره علوی هم که ادامه همان سیره و روش نبی مکرم اسلام می‌باشد، ممنوعیت کشتن زنان و کودکان را مورد توجه و تأکید قرار داده است. امیرالمؤمنین علی (ع) قبل از درگیری با دشمن و آغاز جنگ صفین توصیه‌هایی به لشکریان خود نمودند و آنان را از کشتن زنان برحذر داشتند: «اگر دشمنان به یاری خدا شکست خوردند و از میدان کارزار فرار کردند، مبادا که فراریان را بکشید و افتادگان را از میان ببرید و خستگان را نابود سازید. زنان را اگرچه به ناموستان فحش بدهند و به فرمانده شما هم ناسزا بگویند، می‌زارید».

### فرجام

اسلام دینی است که از سوی خداوند و توسط محمد (ص) و با اعجاز قرآن بر مردمی نازل شد که زندگیشان سراسر فقر فرهنگی-سیاسی-اجتماعی بود. این دین آسمانی در جامعه‌ای جاری گردید که تفاوت طبقات اجتماعی بیداد می‌نمود و بسیاری از مردم که از طبقه فرودست جامعه بودند از حقوق اولیه و طبیعی خود محروم بوده و زیر بار نابرابری‌های مختلف شانه خم نموده و اسیر ظلم و ستم حکومت‌دارانی بودند که جز بردگی و فرومایگی، چیزی برای شهروندان خود نمی‌خواستند. حکام در جوامع بدوی زمان ظهور اسلام برای قدرت‌طلبی و کشورگشایی‌های خود، انسان‌های بیگناه و مظلوم زیردست خود را به مهلکه هلاکت می‌فرستادند و در این میادین کارزار از هیچ‌گونه عمل شنیع و ضد حقوقی اجتناب نمی‌نمودند. اما پس از ظهور اسلام و آغاز رسالت رسول خدا (ص) و نزول قرآن در جزیره‌العرب، بار دیگر مظلومان از زیر بار بندگی و فشار حکام ظالم خارج شده و به حداقل حقوق اولیه و طبیعی خود رسیدند و آموختند که بردگی نتیجه عدم شجاعت و عدالت‌خواهی ایشان است. در

همان دوران بود که انسان‌ها باز آموختند صلح همراه صبوری و ایمان، بهترین و مناسب‌ترین راه احقاق حقوق ایشان است و اگر نتوانستند حقوق از دست رفته خود را از کفار و ظالمان بازستانند، می‌توانند به جنگی دست زنند که حکم جهاد دارد و همچون زمان صلح، باید در جنگ هم به حقوق طبیعی انسان‌ها احترام گذارند و فقط برای خدا و در راه احقاق حقوق از دست رفته خویش نبرد کنند و مجاز نیستند ظلمی بیشتر از آنچه بر آنها وارد شده بر دیگر انسان‌ها و ظالمان وارد سازند. در آن زمان و به دستور اسلام از بکارگیری هرگونه سلاح و خدعه نظامی که آسیب جبران‌ناپذیری به نوع بشر وارد می‌نمود و به جریان زندگی جوامع انسانی آسیب می‌رساند، ممانعت به عمل می‌آمد و سپاهیان اسلام مجبور به رعایت حقوق اولیه و طبیعی اسرا، زخمیان، زنان و کودکان و غیرنظامیان و حتی اجساد سپاه دشمن بودند و هیچگونه تعدی و تجاوز از این حدود قابل قبول نبود. به راستی اصول و قواعد جنگی لازم الرعایه در آن زمان نیز، همین حقوق بشردوستانه‌ای است که در دنیای معاصر در اسناد و معاهدات لاهه و ژنو نمود یافته‌اند و در تلاش‌اند تا آلام بشری را که در جنگ‌ها چندبرابر می‌شوند به حداقل رسانده و به انسان‌ها در داشتن دنیایی آرام و سراسر صلح کمک نمایند.

انطباق اصول حقوق بشردوستانه با دستورات و مقررات اسلام و قرآن، امری است که در مرکز عرصه‌های نبرد عقیدتی دوران معاصر قرار دارد و بسیاری از اسلام‌گریزان، با توسل به تبلیغات گسترده، سعی در القاء این نظریه هستند که اسلام دینی است جنگ طلب و ستیزه جوف اما اگر ایدئولوژیست‌ها و مشرق‌شناسان بی‌طرفانه و غیرمغرضانه به کنکاش بپردازند و در بین آیات قرآن و سنت به درستی جستجو نمایند خواهند یافت که نه تنها اسلام دین جنگ نیست، بلکه چنانچه از آیات و سنن بیان شده برمی‌آید، اسلام دین صلح و صبر است و اگر جایی دستور به جهاد داده است، آن جایی است که حقوق حقه مردم به یغما رفته و نوع بشر دچار ظلم و ستم گشته است و دیگر هیچ راهی برای فرار از این ستم برای ایشان وجود ندارد و صبوری سفارش شده در قرآن هم کارساز نیست. اینجاست که حکم جهاد صادر می‌شود، اما در چهارچوبی مشخص و با رعایت اصول دقیق و لازم‌الاجرا برای سربازان و مسلمانان تا اینگونه تلفات و آسیب‌های جنگ به حداقل خود برسد و مخاصمه‌ای (جهادی) که برای احقاق حق انسان‌ها صورت گرفته است سبب نقض حقوق سایر انسان‌ها نگردد. رأفت و انسانیت سفارشی است که در حقوق جنگ در اسلام بسیار به آن سفارش شده است و حتی در میدان جنگ به اصل کرامت انسانی بسیار توجه شده است.

حقوق بشر دوستانه اسلامی شامل قواعد و مقرراتی است که از لابلای آیات قرآن در درجه اول و لحظه لحظه زندگی رسول خدا (ص) در درجه دوم استخراج می‌شود و سپس، توسط امیرالمؤمنین علی (ع) احیا و تثبیت شده و راه خود را در جوامع اسلامی متأخر می‌یابد. این قواعد و مقررات راهی شدند برای اندیشه دینی و معنوی بسیاری از اندیشمندان که در این زمینه قلم زده و سعی در بازشناسی این مصادیق داشته‌اند. نوشته‌هایی که از صدر اسلام به جای مانده‌اند، مطالبی هستند که توسط این اندیشمندان و محققان و مورخان بزرگ ثبت و ضبط شده و در اکثر قریب به اتفاق موارد فقط دارای جنبه معنوی و ماورایی هستند و هیچ بیانی از مصادیق حقوقی آن اتفاقات و الگوهای رفتاری وجود ندارد. از این رو، در این مقاله سعی بر تطبیق مقررات حقوق بشر دوستانه با الگوهای رفتاری صدر اسلام بوده تا از این دیدگاه دفاع شود که اسلام دین دنیا و آخرت، دین امروز و فردای جوامع و دین همه جانبه‌ای است که از سوی خداوند به بشر ارمغان داده شده است.

مبانی و اصول حقوق بشر دوستانه که در عرصه بین‌المللی معاصر تدوین شده و در اسناد بین‌المللی نمود یافته‌اند، همگی مؤید این موضوع هستند که نوع بشر نیازمند حمایتی قانونی است تا از کرامت ذاتی و حقوق اولیه خود در زمان جنگ برخوردار باشد. این اسناد عموماً در پی نقض‌های شدید و گسترده حقوق انسان‌ها در زمان جنگ، و در ابعاد جهانی یا منطقه‌ای، به صورت کلی یا موردی، تنظیم شده و به تصویب دولت‌ها رسیده‌اند. در کنار اسناد مزبور و برای ریشه‌یابی این حقوق می‌توان نامی از اصول و مقررات حقوق بشر دوستانه در اسلام و حکومت‌های صدر اسلام و قرآن برده و یکی از خاستگاه‌های حقوق مزبور را در سیره و سنت حکام اسلام دانست.

ولی با نگاهی موشکافانه و دقیق‌تر می‌توان ریشه این اصول و مقررات را در آیات قرآن و احادیث و سنت پیامبر و ائمه معصومین یافت که نمودی عینی و ملموس داشته‌اند. حکومت‌های اسلامی اولیه، یعنی حکومت پیامبر (ص) و حکومت علی (ع) سرشار از رعایت و دستور به احترام و اجرای حقوق مزبور بوده‌اند.

ترتیب نزول آیات قرآن و رخ دادن سنت و سیره پیامبر و ائمه به ویژه در دوران حکومت علی (ع) نسبت به تنظیم اسناد حقوق بشر دوستانه بین‌المللی کاملاً ارجحیت و تقدم موضوعی این اصول را در اسلام بیان می‌دارد و مشخص می‌نماید که باید در ریشه‌یابی اصول و قواعد مورد نظر حقوق بشر دوستانه اصول و قواعد حقوقی اسلام را نیز مطمع نظر قرار داد و قرآن،

سنت، احادیث و شیوه حکومت‌داری پیامبر اکرم (ص) و علی (ع) را نیز جزء مبانی تفکری پیدایش این حقوق نام برد.

همگی مصادیق مزبور در حدود ۱۴۰۰ سال پیش لازم الاجرا بوده و از سوی حکام و زمامداران اسلامی رعایت می‌شدند. اما سابقه تدوین و تنظیم اسناد حقوق بشردوستانه بین‌المللی و منطقه‌ای که حاوی این حقوق و مقررات هستند به سالیان بسیار نزدیک و در بررسی موسع به حداکثر حدود ۳۶۰ سال پیش باز می‌گردند. از این رو، اسلام حدود ۱۰۰۰ سال قبل از آغاز تدوین و تنظیم این اسناد به مباحث حقوقی انسان‌ها پرداخته و حقوق بشردوستانه نوین را لازم‌الرعايه می‌دانسته‌اند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. واژگان کلیدی:

حقوق بشردوستانه: (حقوق در جنگ، حقوق مخاصمات مسلحانه *Jus in bello*): حقوق بین‌الملل بشردوستانه یکی از شاخه‌های اصلی حقوق بین‌الملل عمومی و مشتمل بر قواعدی است که هدف آن یکی حمایت از افرادی است که در زمان جنگ در مخاصمه شرکت نکرده یا آن را ترک کرده‌اند و دیگری محدود کردن روشها و وسایلی است که در جنگ به کار گرفته می‌شود و این حقوق قابل اعمال در زمان جنگ، چه مخاصمات داخلی و چه مخاصمات بین‌المللی، می‌باشند و حقی است که برای هر دو طرف درگیر در جنگ منظور می‌گردد. حقوق بر جنگ: (حق توسل به زور *Jus ad bellum*): یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل معاصر، تحریم جنگ و منع توسل به زور است. جنگ و توسل به زور که در دوران گذشته و به لحاظ حقوق بین‌الملل کلاسیک، اصل حاکم بر روابط میان کشورها بوده، امروزه همچون عامل مخرب روابط بین‌الملل و در نتیجه ناقض مقررات حقوق بین‌الملل شناخته شده است. البته حقوق بین‌الملل علی‌رغم پذیرش اصل ممنوعیت توسل به زور و تحریم جنگ در مواردی مبادرت به جنگ را مشروع و قانونی دانسته است. پس حقوق بر جنگ (حق توسل به زور) به این امر می‌پردازد که آیا اساساً توسل به زور در حقوق بین‌الملل مشروع و یا ممنوع است؟ و آیا این که اصل منع توسل به زور استثناء پذیراست یا خیر؟ و اگر استثناء پذیر است، این استثناء کدام مورد است؟ در جهت تمایز میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه می‌توان گفت حقوق بشر از شهروندان در برابر مقامهای دولتی خودشان حمایت می‌کند اما حقوق بشردوستانه (حقوق مخاصمات مسلحانه) افرادی را که در حیطه‌ی قدرت طرف ثالثی قرار گرفته‌اند مورد حمایت قرار می‌دهد. این دو رشته از حقوق بر نحوه‌ی اعمال قدرت از سوی افراد دارای قدرت و رفتار انسانی با مردم احاطه دارد. مخاصمات مسلحانه: مخاصمات مسلحانه، مخاصماتی هستند که در آنها طرفین درگیر، به قوای مسلح متوسل می‌شوند. بنابراین هر مخاصمه مسلحانه‌ای دو عنصر اساسی دارد: عنصر نخست، طرفین مخاصمه هستند که بایستی ماهیت آنها معلوم و مشخص باشد که ممکن است دولت‌ها و گروه‌های مسلح سازمان یافته باشند یا اینکه یکی از طرفین دولت و طرف مقابل گروههای مسلح مخالف دولت باشند؛

دو وضعیت اخیرالذکر معمولاً در قلمرو داخلی دولت اتفاق می‌افتد. دومین عنصر مخصصات مسلحانه، توسل به قوای مسلح می‌باشد. عملیات نظامی بوسیله قوای مسلح طرفین درگیر صورت می‌گیرد که نتیجه آن لطمه زدن به دشمن است. جهاد: ریشه واژه جهاد از دو واژه «جهد» به معنی مشقت و «جهد» به معنی طاقت آمده است. ولی چه واژه جهاد را از کلمه جهد و چه از کلمه جهد بگیریم، مفهوم اصطلاحی جهاد، کوشیدن و بذل و کوشش امکان آدمی در راهی و انجام دادن هرکاری تا آنجا که توانایی آدمی اجازه دهد، می‌باشد. جهاد در فرهنگ اسلامی، یا جهاد اکبر و به معنی مبارزه با نفس است، و یا جهاد اصغر و به معنای جنگیدن در راه خدا و با دشمن خدا است. جهاد اصغر که موضوع بحث این فرصت است خود به دو دسته تقسیم می‌شود: اول جهاد با کفار و دوم جهاد با منحرفان و یاغیان علیه امام عادل.

۲. عظیمی شوشتری، عباسعلی، *حقوق بین‌الملل اسلام*، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۷.

۳. سوره حج، آیات ۳۸-۴۰.

۴. سوره توبه، آیات ۱۳ و ۱۴.

۵. سوره توبه، آیه ۳۶.

۶. سوره بقره، آیه ۲۱۶.

۷. سوره نحل، آیات ۱۲۵ و ۱۲۶.

۸. سوره نساء، آیه ۷۴.

۹. همان، آیه ۸۴.

۱۰. همان، آیه ۹۵.

۱۱. طباطبایی، سید محمد حسن، *المیزان فی التفسیر القرآن*، جلد پانزده، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۷ قمری، ص. ۲۸۴.

۱۲. ایزوتسو، توشیهیکو، *خداوند و انسان در قرآن*، احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم، ۱۳۸۱، ص. ۱۹.

۱۳. بحث پیرامون وضعیت غیرمسلمانان در دار الاسلام، بحثی است بس طولانی و پیچیده که از مجال این فرصت خارج است، اما فقط در این حد کفایت می‌شود که گفته شود در اسلام با غیرمسلمانان رفتاری انسان‌دوستانه می‌شود و در حکومت اسلامی، ایشان دارای پناه هستند ولی می‌بایست جزیه بپردازند. اما باید به این نکته هم توجه نمود اگر غیرمسلمانان یا اهل کتاب اقدام به کفر نمایند و ظلم و ستمی بر انسان‌ها روا دارند، ایشان نیز مشمول حکم جهاد خواهند بود و جهاد با ایشان مشروع است، چنانچه این موضوع در آیه ۲۹ از سوره توبه نیز بیان شده است.

۱۴. سوره مائده، آیه ۲.
۱۵. همان، آیه ۸.
۱۶. نجفی، شیخ محمد حسن، *جواهر الکلام*، جلد بیست و یک، تهران: دار الکتاب الاسلامیه، ۱۳۶۳ شمسی، ص ۵۲.
۱۷. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، *اسلام و حقوق بین‌الملل*، تهران: گنج دانش، ۱۳۸، صص. ۱۲۵-۱۳۸.
۱۸. سوره بقره، آیه ۱۹۴.
۱۹. سوره نحل، آیه ۱۲۶.
۲۰. سوره حج، آیه ۶۰.
۲۱. شوشتری، عباسعلی، پیشین، ص. ۱۵۸.
۲۲. همان، ص. ۱۶۰.
۲۳. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، پیشین، ص. ۹۲.
۲۴. شوشتری، عباسعلی، پیشین، ص. ۱۶۱.
۲۵. عمید زنجانی، عباسعلی، *مبانی حقوق بشر در اسلام و دنیای معاصر*، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۸، صص. ۱۷۹-۱۸۰.
۲۶. همان، ص. ۱۶۲.
۲۷. پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ در خصوص حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی.
۲۸. ابن هشام، *سیره النبویه*، جلد دوم، هاشم رسولی محلاتی، تهران، کتابفروشی الاسلامیه، ۱۳۴۷ شمسی، ص. ۳۰۱.
۲۹. طوسی (شیخ طوسی)، *ابی جعفر، المبسوط*، جلد دوم، تهران: المبسوط المکتب المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ص. ۱۱.
۳۰. نجفی، شیخ محمد حسن، پیشین، صص. ۷۴-۷۵.
۳۱. حمیدالله، محد، *سلوک بین‌المللی دولت اسلامی*، ترجمه مصطفی محقق داماد، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۰ شمسی، ص. ۲۳۲.
۳۲. کلینی، ابوجعفر، *الکافی*، جلد پنجم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ قمری، ص. ۲۸.
۳۳. واقدی، محمد بن عمر، *المغازی*، جلد سوم، بیروت: موسسه الاعلمی، ۱۴۰۹ قمری، ص. ۹۱۲.
۳۴. نسائی، ابو عبدالرحمان، *السنن الکبری*، جلد پنجم، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ قمری،

- ص. ۱۴۸.
۳۵. حر عاملی، محمد بن حسن، *جهاد با نفس (جهاد النفس وسائل الشیعه)*، ترجمه علی صحت، جلد یازدهم، تهران: ۱۳۶۴، صص. ۴۷-۴۸.
۳۶. معاهده سوم ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷.
۳۷. رسو، شارل، *حقوق مخاصمات مسلحانه*، جلد اول، ترجمه علی هنگی، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ۱۳۶۹، ص. ۱۰۳.
۳۸. حلی، محقق، *شرایع الاسلامی*، ابوالقاسم بن احمد یزدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص. ۳۱۴.
۳۹. شوشتری، عباسعلی، پیشین، ص. ۱۷۳.
۴۰. ابن اثیر (کامل)، *غر الدین، تاریخ بزرگ اسلام و ایران*، جلد اول، عباس خلیلی، تهران: شرکت سهامی چاپ، ۱۳۷۱، ص. ۲۹۵.
۴۱. ذهبی، احمد بن عثمان، مغازی، بیروت: دار الکتب العربیه، ۱۴۰۷ قمری، ص. ۱۱۹.
۴۲. سوره دهر، آیه ۸.
۴۳. شوشتری، عباسعلی، پیشین، صص. ۱۷۳-۱۷۷.
۴۴. احمدی میانجی، علی، *الاسیر فی الاسلام*، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۱ قمری، ص. ۲۳۴.
۴۵. الزحیلی، وهبه، *آثار الحرب فی الفقه الاسلامی*، ۱۴۰۱ قمری، ص ۴۱۲.
۴۶. نجفی، محمد حسن، پیشین، ص. ۱۲۸.
۴۷. ارگانی، مقارنه تطبیقی حقوق بشردوستانه بین‌المللی و شریعت اسلامی، در: مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌المللی بشردوستانه، تهران، صلیب سرخ، ۱۳۸۶، ص. ۲۰۹.
۴۸. همان، ص. ۲۲۹.
۴۹. ابن کثیر، پیشین، جلد دوم، ص. ۳۰۴.
۵۰. فیض الاسلام، علی نقی، *نهج البلاغه*، تهران: فیض الاسلام، ۱۳۶۸، خطبه ۵۵.
۵۱. همان.
۵۲. جرداق، جرج، *امام علی (ع): صدای عدالت انسانی*، قم، سیدهادی خسرو شاهی، مؤسسه انتشاراتی امام عصر (عج)، ۱۳۸۶، صص. ۲۷۷-۲۷۸.
۵۳. قربانی، زین العابدین، *اسلام و حقوق بشر*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷ شمسی، ص ۱۷۷.
۵۴. کمالان، سید مهدی، منشور سازمان ملل متحد، تهران: انتشارات کمالان، ۱۳۸۶ شمسی، ص ۱۵.

۵۵. فیض الاسلام، علی نقی، پیشین، خطبه ۱۳۱.
۵۶. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۷۸، ص. ۵۶۹.
۵۷. جرداق، جرج، پیشین، ص. ۱۳۹.
۵۸. فیض الاسلام، علی نقی، پیشین، صص. ۶۷-۶۹.
۵۹. احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، جلد دوم، محمد ابراهیم آیتی، تهران: نشر کتاب، ۱۳۴۲، صص. ۸۸-۸۹.
۶۰. همان، صص. ۱۰۹-۱۱۱.
۶۱. فیض الاسلام، علی نقی، پیشین، خطبه ۲۰۶.
۶۲. دشتی، محمد، پیشین، ص. ۱۷۱.
۶۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، جلد بیست و یکم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۶، ص. ۱۳۹.
۶۴. جرداق، جرج، پیشین، ص. ۲۸۲.
۶۵. فیض الاسلام، علی نقی، پیشین، ص. ۳۳۸.
۶۶. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن محمد بن محمد، شرح نهج البلاغه، جلد دوم، قاهره: نشر دار الاحیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ قمری، ص. ۲۳۸.
۶۷. کمیته ملی حقوق بشردوستانه جمهوری اسلامی ایران، حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه (مجموعه اسناد ژنو)، تهران: جمعیت هلال احمر، ۱۳۸۵، صص. ۱۳۰-۱۳۳.
۶۸. فیض الاسلام، علی نقی، پیشین، ص. ۷۱.
۶۹. نجفی، محمد حسن، پیشین، ص. ۷۸.
۷۰. فیض الاسلام، علی نقی، پیشین، صص. ۴۷۱-۵۴۹.
۷۱. حر عاملی، محمد بن حسن، پیشین، جلد سی و دوم، ص. ۲۱۳.
۷۲. مجموعه اسناد ژنو، پیشین، صص. ۱۷۵-۱۸۱.
۷۳. سبحانی، جعفر، فروغ ولایت، قم: نشر موسسه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴، ص. ۴۲۶.
۷۴. احمد بن اسحاق، پیشین، جلد دوم، ص. ۱۳۹.
۷۵. اسدی، علی محمد، احکام جبهه، قم: مرکز بررسی و تحقیقات عقیدتی و سیاسی، ۱۳۶۳ شمسی، ص. ۱۶.
۷۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری (تاریخ الرسل الملوک)، ابوالقاسم پاینده، جلد سوم، تهران: اساطیر، ۱۳۶۲، ص. ۵۴۳.

۷۷. سبحانی، جعفر، پیشین، ص. ۴۵۴.
۷۸. باغی مسلمانان خارج از دین هستند که حکم ایشان جدای از حکم مشرکان است. ارتش اسلام در محیط شرک و کفر به هر چه دست یابد بر او حلال است، ولی آنچه در محیط اسلام دست یابد هرگز حلال نمی‌شود. همانا که علی (ع) بر اهل جمل منت گذاشت همچنان که محمد (ص) بر اهل مکه منت گذاشتند.
۷۹. نوری طبرسی، میرزا حسن، مستدرک الوسایل و مستنبط المسائل، باب بیست و سوم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۷ قمری، حدیث چهارم و پنجم، ص. ۵۷.
۸۰. حر عاملی، محمد بن حسن، پیشین، جلد ششم، ص. ۶۹.
۸۱. مجلسی، محمد باقر، پیشین، جلد چهل و ششم، ص. ۱۵.
۸۲. همان، جلد صد، ص. ۳۹.